

خدا یا تو شاهد باش حاجیان زخمی‌ات را بالب تشنه کشتند



حاجیان لب تشنه شهید |

|ویژه حادثه منا|

|روزنامه جوان| شهریور ۱۳۹۵

خدا یا تو شاهد باش حاجیان زخمی
لب تشنه‌ات را کشتند

خدا یا تو شاهد باش که حاجیان لب تشنه و زخمی خانه‌ات را با سنگدلی کشتند. کشتند تا کسی بر جنایتشان شهادت ندهد زیرا تو را شاهد اعمال خود نمی‌بینند. خدا یا شاهد باش که چون رسانه‌های امریکایی و انگلیسی را شاهد اعمال خود می‌بینند، آنها را با دلار خفه کردند. خدا یا شاهد باش می‌دهیم که رهبر انقلابمان به جز صهیونیست‌های جنایتکار هرگز حاکمانی را اینچنین خطاب نکرده بود و هرگز کسانی را «روسیاهان گمراه» خوانده بود اما چون قاتلان مهمانان قبیله‌ات را فرومایه‌تر از دشمنانت در قبیله اول مسلمین می‌بینیم، باید که از مظلومان تو سخن گفت و در دفاع از مظلومیت بر ظالم شورید: «حکام سعودی به جای عذرخواهی و پشیمانی و تعقیب قضایی مقصران مستقیم این حادثه هولناک، با نهایت بی‌شرمی و وقاحت، حتی از تشکیل هیئت حقیقت‌یاب بین‌الملل اسلامی نیز سر باز زدند؛ به جای ایستادن در جایگاه متهم، در جایگاه مدعی ایستادند و دشمنی دیرین خود با جمهوری اسلامی و با هر چه برافراشته اسلام در مقابله با کفر و استکبار را با خیانت و سبک‌سری بیشتر آشکار ساختند. بوق‌های تبلیغاتی آنان اعم از سیاستمدارانی که رفتار آنان در برابر صهیونیست‌ها و امریکانگ جهان اسلام است، تا مفتیان ناپرهیز کار و حرام‌خواری که آشکارا بر خلاف کتاب و سنت فتوا می‌دهند، تا پادوهای مطبوعاتی که حتی وجدان حرفه‌ای هم مانع دروغ‌سازی و دروغ‌گویی آنان نیست، تلاش بی‌پرده می‌کنند که جمهوری اسلامی را در محروم‌سازی حجاج ایرانی از حج امسال، متهم نشان دهند. حکام فتنه‌انگیزی که با تشکیل و تجهیز گروه‌های تکفیری و شرور، دنیای اسلام را گرفتار جنگ‌های داخلی و قتل و جرح بی‌گناهان کرده‌اند و یمن، عراق، شام، لیبی و برخی دیگر از کشورها را به خون آغشته‌اند؛ سیاست‌بازان از خدا بی‌خبری که دست دوستی به رژیم اشغالگر صهیونیست داده و چشم بر رنج و مصیبت جانکاه فلسطینیان بسته‌اند و دامنه ظلم و خیانت خود را تا شهر و روستای بحرین گسترده‌اند؛ حاکمان بی‌دین و بی‌وجدانی که فاجعه بزرگ منا را پدید آورده و با نام خادمان حرمین، حریم حرم امن الهی را شکسته و میهمانان خدای رحمان را در روز عید در منا و پیش از آن در مسجدالحرام قربانی کرده‌اند، اکنون از سیاسی نشدن حج دم می‌زنند و دیگران را به گناهان بزرگی که خود مرتکب شده یا تسبیب کرده‌اند، متهم می‌کنند.»

اکنون صدای رسای رهبران را می‌شنویم که «این شجره خبیثه ملعونه لیاقت اداره مراسم حج را ندارد.» صدایی که سال‌ها در گلو نگه داشتیم تا مسلمانان برای شنیدن این حقیقت، مصادیق آن را با عینیت بیشتر ببینند و جهان اسلام برای دریافت این صدای حق به بلوغ برسد. رهبران حاجیان جان‌باخته در منا را شهید راه تو می‌نامد و سکوت جهان مقابل شهادت ۷ هزار زائر را یک مصیبت بزرگ می‌داند: «کوتاهی و بی‌کفایتی آل سعود در این حادثه، اثبات مجدد بی‌لیاقتی این شجره خبیثه ملعونه در تصدی و اداره حرمین شریفین است. اگر راست می‌گویند و در حادثه بی‌تقصیرند، بگذارند یک هیئت حقیقت‌یاب اسلامی - بین‌المللی، واقعیات مسئله را از نزدیک بررسی و روشن کند. حادثه منا و جان باختن حاجیان ایرانی در حال عبادت و بالبان تشنه و در زیر آفتاب سوزان، حادثه‌ای عمیقاً غم‌انگیز و فراموش‌نشدنی است، البته این حادثه ابعاد گوناگون و روشنگری از لحاظ سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و دینی دارد که این ابعاد نباید فراموش شوند. سال گذشته، مواجه شدن خانواده‌ها با خبر درگذشت عزیزانشان و بازگشت جنازه‌های آنان بسیار سخت و دشوار بود اما مقابل این مصیبت، توجه به این واقعیت که آن عزیزان همچون شهدا در سایه مغفرت، رحمت و نعمت الهی هستند می‌تواند مایه تسلی و آرامش باشد. البته سکوت دولت‌ها و حتی علما، فعالان سیاسی، روشنفکران و نخبگان جهان اسلام در قبال شهادت ۷ هزار زائر بی‌گناه، بالای بزرگ امت اسلامی است. حساس نبودن در قبال مسائلی نظیر حادثه سخت و جانکاه منا، مصیبت واقعی جهان اسلام است.»

■ دبیر ویژه‌نامه

روزنامه جوان

سیاسی کاری سازمان ملل

به استناد منشور سازمان ملل متحد می‌تواند منا را یک «بحران» اعلام و از دادستان دیوان کیفری بین‌المللی بخواهد این قضیه را رسیدگی کند. رویه شورای امنیت هم این موضوع را تأیید می‌کند. در قضایای یوگسلاوی سابق و رواندا با آن که هنوز ICC تأسیس نشده بود و طرفین درگیر هم به ICJ نپیوسته بودند، شورای امنیت به استناد منشور سازمان ملل با مصوبه‌ای، آن قضایا را به دادگاهی بین‌المللی ارجاع داد و مورد رسیدگی قرار گرفت و احکامی هم صادر شد.



طرح دعوی ابتدایی در محاکم داخل عربستان و عدم نتیجه‌گیری از آن و مواردی از این دست که در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و دیوان دادگستری بین‌المللی پیش‌بینی شده، در نظر راقم این سطور بوده و با در نظر داشتن تمام آنها امکان رسیدگی به قضیه منا در مراجع قضایی بین‌المللی مورد ادعا واقع شده است. صرفاً به لحاظ تخصصی نبودن این نوشته و ضیق آن از ارائه جزئیات حقوقی این پیش‌فرض‌ها خودداری شده و این به معنای نادیده گرفتن آنها نبوده است.

۲- در مسئولیت عربستان در موضوع حمایت نکردن از اتباع سایر کشورها در مناسک حج، شک و شبهه‌ای نیست. حتی طبق موازین عام‌الشمول حقوق بین‌الملل، برای مسئول شناختن کشور خاطی، نیازی به احراز مؤلفه «حمایت نکردن» از اتباع سایر کشورها هم نیست، بلکه همین که برای تبعه یک کشور در قلمرو کشور دیگر اتفاقی بیفتد و به هر دلیلی یک تبعه خارجی در کشور میزبان کشته شود، دولت کشور مهمان به لحاظ حقوقی مسئول قلمداد می‌شود. اکنون بحث بر سر این است که این مسئولیت عربستان در چه نهادهای بررسی حقوقی شود.

علاوه بر دو نهاد بین‌المللی پیش‌گفته، نهادهای منطقه‌ای هم می‌توانند به قضیه منارود کرده و آن را به لحاظ حقوقی بررسی نمایند. اولین سازمان ذی‌صلاح در این باره، سازمان کنفرانس اسلامی است که هم عربستان عضو آن است و هم سایر کشورهایی که اتباع آنها در عربستان به شهادت رسیده‌اند.

سازمان کنفرانس اسلامی دیوانی به نام «دیوان عدل» دارد. دیوان عدل، یک مرجع قضایی شبیه دیوان بین‌المللی دادگستری است که برای کل دعاوی بین کشورهای اسلامی پیش‌بینی شده است. دیوان عدل می‌تواند با تشکیل کمیته‌ای حقیقت‌یاب، مستندات شهادت هزاران نفر در منا را به صورت مستقل جمع‌آوری و با بررسی تمام جوانب موضوع، حکم حقوقی درخوری صادر کند.

اگرچه دیوان عدل از زمان تأسیس تا کنون حکمی صادر نکرده است، لکن این ظرفیت در سازمان کنفرانس اسلامی موجود است و می‌توان از آن در راستای احقاق حقوق حاجیان و خانواده‌های آنها بهره‌برد. جدا از دیوان عدل، سازمان کنفرانس اسلامی به استناد اساسنامه خود خواهد توانست رأساً شهادت هزاران نفر از مسلمانان را رسیدگی و کشور خاطی را مواخذه کند. البته اینکه سازمان کنفرانس اسلامی در چنبره سیاست‌های سعودی‌ها است و تا کنون هیچ اقدام مفیدی در راستای منافع مسلمانان جهان نکرده است، مباحث غیر حقوقی‌ای است که پرداختن به آن مطالب مجرای دیگری را می‌طلبد.

ذکر این نکته خالی از لطف نیست که عهدنامه مودتی بین عربستان و ایران در سال ۱۳۰۸ منعقد شده که مطابق ماده ۴ آن عربستان ملزم به حفظ امنیت و تأمین آسایش حجاج ایرانی شده است. همچنین وفق مواد متعددی از کنوانسیون‌های متعدد بین‌المللی نظیر معاهده ۱۹۶۳ وین راجع به روابط کنسولی، عربستان سعودی مسئول حفظ جان اتباع سایر کشورهایی است که در خاک عربستان حضور می‌یابند و خود دولت عربستان برای حضور آنها در خاکش روایتی صادر کرده است. مستندات بسیار دیگری هم وجود دارد که چه سازمان کنفرانس اسلامی و چه دو نهاد بین‌المللی حقوقی می‌توانند به استناد آنها مسئولیت عربستان در قضیه منا را به لحاظ حقوقی محرز شده بدانند و این کشور را ملزم به پذیرش مسئولیت و جبران خسارت کنند.



نسل‌کشی منا را به حکم اول «دیوان عدل» برسانید

سازمان حج و وزارت خارجه به شرط فراق از سیاست (!) و غفلت نکردن از ظرفیت نهادهای حقوقی بین‌المللی و منطقه‌ای از امکان «دیوان عدل» سازمان کنفرانس اسلامی و شورای حقوق بشر سازمان ملل برای دعاوی حقوقی منا استفاده کنند

صادق پارسا

این سخن درست است که دولت سلطنتی سعودی قاعده و حقوق نمی‌شناسد و در بین کشورهای دنیا بدترین وضعیت را به لحاظ نقض مستندات، مکتوبات و عرفیات حقوقی چه در عرصه داخلی و چه در عرصه بین‌المللی دارد، اما به هر حال و بنا به دلایلی قانع‌کننده رخدادهای سال گذشته حج، به دور از جوانب سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، از لحاظ حقوقی هم قابل واکاوی است.

از کشوری که بدیهی‌ترین حقوق شهروندان خودش را هم به فجیع‌ترین وجه و به صورت ساختاری و تشکیلاتی نادیده می‌گیرد، انتظار گردن نهادن به موازین حقوق بین‌الملل، چه بسا انتظار بیهوشی باشد، اما افشای پلشتی نهادینه شده در رژیم سفاک آل سعود و فروریختن پرستیز پوشالی عربستان به لحاظ حقوقی و حقوق بشری، یکی از فواید و اولین فایده بررسی حقوقی واقعه منا است و گرنه واضح است کسی از عربستان سلطنتی و خودکامه انتظار جبران خسارت حادثه منا را ندارد.

در ادامه، چند نکته پیرامون ابعاد حقوقی به شهادت رساندن به قوی ۶ هزار نفر از حاجیان سال ۹۴ یادآوری می‌شود.

۱- دو نهاد بین‌المللی وابسته به سازمان ملل، دعاوی حقوقی بین دولت‌ها را رسیدگی می‌کنند؛ یکی

دیوان دادگستری بین‌المللی (ICJ) و دیگری دیوان بین‌المللی کیفری (ICC). لازم رسیدگی دعاوی بین دولت‌ها در این دو نهاد، عضو بودن دولت‌های طرف دعواست. عربستان و ایران نه به دیوان کیفری بین‌المللی پیوسته‌اند و نه صلاحیت ترافعی دیوان بین‌المللی دادگستری را پذیرفته‌اند. لذا ابتدائاً این دو نهاد نخواهند توانست شکایتی از ایران علیه عربستان دریافت کنند و به استناد آن وارد رسیدگی به قضیه منا شوند.

اما این سخن به معنای رسیدگی نکردن به حادثه منا در مجمعی بین‌المللی نیست. شورای امنیت سازمان ملل به استناد منشور سازمان ملل متحد می‌تواند منا را یک «بحران» اعلام و از دادستان دیوان کیفری بین‌المللی بخواهد این قضیه را رسیدگی کند. رویه شورای امنیت هم این موضوع را تأیید می‌کند. در قضایای یوگسلاوی سابق و رواندا با آنکه هنوز ICC تأسیس نشده بود و طرفین درگیر هم به ICJ نپیوسته بودند، شورای امنیت به استناد منشور سازمان ملل با مصوبه‌ای، آن قضایا را به دادگاهی بین‌المللی ارجاع داد و مورد رسیدگی قرار گرفت و احکامی هم صادر شد.

اینکه عربستان با وجود امریکا در شورای امنیت از حاشیه امنی برخوردار است و نمی‌توان انتظاری از این شورا برای اقدام جدی در قضیه منا داشت، سخن دیگری است که سیاسی است، نه حقوقی. این موضوع

هم که نهادهای بین‌المللی غالباً سیاسی کارانه عمل می‌نمایند و چه بسا با ارجاع قضیه منا به دیوان کیفری بین‌المللی اتفاق چندان خاصی هم در نهایت نیفتد، نیز سخنی سیاسی است که البته رویه نهادهای بین‌المللی آن را تأیید هم می‌کند. بیشترین اهمیت نگارش این بند بیشتر در یادآوری این نکته بود که به لحاظ حقوقی، رخداد منا می‌تواند در یکی از دو دادگاه بین‌المللی زیر مجموعه سازمان ملل متحد مورد رسیدگی قرار بگیرد.

نانوشته نباید گذاشت که همه پیش‌شرط‌های دیگر بررسی منا در یکی از دو دادگاه بین‌المللی، نظیر

“

اگرچه دیوان عدل از زمان تأسیس تا کنون حکمی صادر نکرده، لکن این ظرفیت در سازمان کنفرانس اسلامی موجود است و می‌توان از آن در راستای احقاق حقوق حاجیان و خانواده‌های آنها بهره‌برد. جدا از دیوان عدل، سازمان کنفرانس اسلامی به استناد اساسنامه خود خواهد توانست رأساً شهادت هزاران نفر از مسلمانان را رسیدگی و کشور خاطی را مواخذه کند



منع نسل کشی در حقوق بین الملل به صورت قاعده‌ای آمره (Jus cogens) در آمده است که نقض آن از سوی هر یک از تابعان حقوق بین الملل، موجب مسئولیت نقض کننده در عرصه بین المللی است. حتی کشوری هم که عضو هیچ یک از معاهدات بین المللی و اساسنامه سازمان های بین المللی نباشد، باید به قواعد آمره بین المللی، از جمله منع نسل کشی احترام کامل بگذارد. شهادت چند هزار نفر در حادثه منا، نسل کشی مسلمانان یا به طور دقیق تر نسل کشی گروهی از مسلمانان غیر وهابی به دست وهابیون به شمار می آید

۳- نسل کشی (Génocide) مطابق تعاریفی که در حقوق بین الملل از آن شده است، اشاره به از بین بردن یک گروه قومی، نژادی یا دینی دارد. شهادت چند هزار نفر در حادثه منا، با در نظر داشتن سایر شرایط، نسل کشی مسلمانان یا به طور دقیق تر نسل کشی گروهی از مسلمانان غیر وهابی به دست وهابیون به شمار می آید.

منع نسل کشی در حقوق بین الملل به صورت قاعده‌ای آمره (Jus cogens) در آمده است که نقض آن از سوی هر یک از تابعان حقوق بین الملل، موجب مسئولیت نقض کننده در عرصه بین المللی است. یکی از خصایص قواعد آمره این است که احترام به آن از سوی همه دولت ها واجب حقوقی است، حتی کشوری هم که عضو هیچ یک از معاهدات بین المللی و اساسنامه سازمان های بین المللی نباشد، باید به قواعد آمره بین المللی، از جمله منع نسل کشی احترام کامل بگذارد.

از طرف دیگر، حقوق بین الملل، لاقلاً در دکتترین این اجازه را به دولت های جهان داده است که همه دولت ها بتوانند در صورت نقض قاعده آمره مانند منع نسل کشی در یک کشور به طور فاحش، سران آن کشور را محاکمه و محکوم کنند. در عمل هم حقوق بین الملل در جرایمی مانند دزدی دریایی و تروریسم، مجوز محاکمه مرتکبین چنین جرایمی را در تمام کشورها صادر کرده و آن را به رسمیت شناخته است. همچنین، در صورت ورود رئیس کشوری که مرتکب نسل کشی یا به عنوان مثال تروریسم شده است به یکی دیگر از کشورها، می توان در صورت محاکمه و محکومیت قضایی، وی را بازداشت و به تحمل مجازات وادار کرد.

به بیانی دیگر، رئیس کشوری که مرتکب نقض فاحش یکی از قواعد آمره بین المللی شده است، از مصونیت برخوردار نیست و کشورها می توانند او را محاکمه و مجازات کنند. در همین راستا، علاوه بر محکومیت سران سعودی ذیل عنوان نسل کشی مسلمانان، با عنوان «نقض فاحش حقوق بشر» و نادیده گرفتن اولین حق بشری یعنی «حق حیات» هم می توان قضیه منا را از طریق شورای حقوق بشر سازمان ملل پیگیری حقوقی - سیاسی کرد.



در خوشبینانه ترین حالت، دولت عربستان با سوءمدیریت باعث شهادت هزاران نفر شده است. اگر چه عربستان در باره واقعه منا اطلاعات بسیار کم، ناقص و بعضاً غلط و گمراه کننده منتشر کرده، لکن از همین اطلاعات منتشره مشخص شده است که عربستان با بکارگیری «تیروهای داوطلب» و «آموزش ندیده» به جای نیروهای متخصص و مجرب در هدایت جمعیت میلیونی حجاج، باعث رخداد فاجعه منا شده است. بعد از وقوع حادثه هم عربستان با بی کفایتی هایی نظیر منع آب رسانی به حجاج در حال احتضار، جلوگیری از ارسال نیروهای خبره کمکی به محل حادثه و انتقال افراد زنده همراه تلف شدگان به سردخانه در بیشتر شدن تلفات منا نقش داشته است.

تمام این موارد، مسئولیت حقوقی عربستان در قضیه منا را محرز می کند. اما اینکه چرا وزارت خارجه کشورمان به همراه سازمان حج و زیارت با گذشت یک سال از حادثه منا تا کنون هیچ اقدام حقوقی ای برای احقاق لاقلاً بخشی از حقوق از دست رفته ایرانیان نکرده اند، پرسشی است که پاسخ آن حقوقی نیست. اینجاست که ظاهراً باید پذیرفت در نظر مجریان سیاست خارجی کشورمان، «سیاست» همواره حرف اول و آخر را می زند، حتی آنجایی که مستندات و مسلمات حقوقی در محکومیت دولت خاطی عربستان به طور واضح موجود باشد و حتی آنجایی که جان هزاران ایرانی مطرح باشد. *



بی بی سی: فاجعه تقصیر حجاج بود!

خواسته های واشنگتن تنظیم می کند در مقابل این فاجعه غم انگیز سکوت اختیار کرد. انگلیس که روابط تجاری عمیقی با سعودی ها دارد، با وجود آنکه در روزهای نخست پس از حادثه از سرنوشت دهها نفر از اتباع خود بی خبر بود، تلاشی برای روشن شدن وضع آنها انجام نداد.

مهر سکوتی که با دلارهای نفتی سعودی بر دهان نظام سلطه جهانی در فاجعه منا خورده است پرده از چهره این مدعیان دروغین برداشت و سران غرب حتی کوچک ترین واکنشی به رژیم عربستان حتی در مورد بی تدبیری مأموران امنیتی سعودی در نحوه کمکرسانی به حجاج نشان ندادند، با این اوصاف می توان گفت که دست های غرب نیز به خون کشته شدگان در فاجعه منا آلوده شده است.

■ همسویی رسانه های غرب با سعودی

همواره شاهد بودیم غربی ها و در رأس آن امریکا برای کوچک ترین اتفاق در ایران سریع واکنش نشان داده و آن را محکوم می کنند اما در مقابل فاجعه منا که ضایعه بزرگی برای جهان اسلام بود و دل های مسلمانان را آزرده کرد، دلسوزی های غرب از بین رفت و صدای حقوق بشری آنها خاموش شد. غربی ها در حمایت از رژیم آل سعود حتی بیشتر رسانه های شان را با خود همراه کردند و این فاجعه با سکوت خبری در غرب همراه بود و تنها چند رسانه آمریکایی به انتقاد تلویحی از بی کفایتی سعودی ها در این فاجعه پرداختند. رسانه های فارسی زبان غربی همگام با رسانه های عربی وابسته به عربستان سعودی در راستای تطهیر خاندان آل سعود سعی در انتشار گزارش هایی از این فاجعه کردند تا از دحام جمعیت و بی نظمی زائران را در بروز این فاجعه مقصر اعلام کنند اما عمق این فاجعه آنچنان زیاد بود که برخی رسانه ها نتوانستند به راحتی از کنار آن گذشته و به گوشه ای از حقایق این فاجعه نپردازند.

در این میان موضع شبکه «بی بی سی» وابسته به خاندان سلطنتی انگلیس که موضع گیری هایش در وارونه سازی وقایع زبانزد است، بار دیگر تلاش کرد تا در ادامه روند حمایتی خود از آل سعود، فاجعه منا را به گردن حجاج انداخته و نقش سران این رژیم را انکار کند. بی بی سی در آن زمان از قول یک شاهد عینی مدعی شد که مدیریت سعودی ها خوب بوده و نمی توان آنها را برای حادثه منا مقصر دانست. بی بی سی در راستای دریافت دلارهای نفتی هیچ گاه نمی تواند خط خبری منفی در رابطه با عربستان منتشر کند.

بی بی سی حیره خوار سعودی با کارکنانی ایرانی و به ظاهر مسلمان اگر در ورای دلارهای سعودی درهای هم آزدگی از منبعی در یافت می کرد، می توانست این فاجعه غم بار را محکوم کند و رژیم آل سعود را برای پاسخگویی به بی کفایتی های خود تحت فشار قرار دهد اما گویا دلارهای سعودی برای بستن دهان این مدعیان دروغین حقوق بشر کارساز بود و مانع از اتخاذ چنین سیاست هایی علیه سعودی ها شد. *

■ روح الله صالحی

فاجعه هولناک و غم انگیز منا که داغ بزرگی برای جهان اسلام بود، واکنش های داخلی و خارجی بسیاری از مقامات و مطبوعات جهان را در پی داشت. در میان موضع انفعالی مقامات کشورهای اسلامی نسبت به سوءمدیریت عربستان، غربی ها هم در مقابل این فاجعه سکوت کردند و تنها به اعلام تسلیت به خانواده حجاج و ابراز تأسف از این مسئله بسنده کردند تا با این موضعگیری باری از دوش متحد سعودی خود بردارند. غمبارتر از همه این فجایع موضع گیری بی بی سی فارسی و برخی رسانه های غربی بود که تقصیر را بر گردن حجاج لب تشنه شهید انداختند!

فاجعه منا که در روز عید سعید قربان سال ۱۳۹۴ رخ داد و منجر به شهادت و زخمی شدن هزاران نفر از حجاج شد، موجی از انتقادات را نسبت به بی کفایتی مقامات سعودی در نحوه مدیریت مناسک حج به راه انداخت. برخی از کشورهای اسلامی در نشست های مختلف خواستار مدیریت جهانی این مراسم به وسیله کشورهای مسلمان به جز عربستان شدند و برخی دیگر نیز نوک پیکان انتقادات را به سوی سوءمدیریت و بی تدبیری مقامات سعودی گرفتند و خواستار تحقیقات جامع و گسترده در خصوص علل و عوامل بروز این حادثه هولناک و غم انگیز شدند اما با گذشت یکسال از این حادثه رژیم آل سعود نه تنها نتیجه تحقیقات خود را نسبت به بی تدبیری مأموران امنیتی عربستان اعلام نکرده بلکه مقامات سعودی بارها در اظهارات خود در نهایت گستاخی، حجاج را مسئول بی نظمی معرفی و از زیر بار مسئولیت های خود شانه خالی کرده اند. هر چند انتظار می رفت مقامات همه کشورها این فاجعه را که ناشی از بی تدبیری آل سعود بود محکوم کنند و واکنش جدی نسبت به این مسئله نشان دهند اما به غیر از ایران هیچ کشوری موضع قاطعی در مقابل این فاجعه نگرفت و این مسئله رژیم سعودی را جری تر از گذشته کرد تا جایی که چند ماه پس از فاجعه منا، این رژیم آیت الله محمدباقر نمرانمر، رهبر شیعیان عربستان را اعدام کرد و بار دیگر موجی از واکنش ها به سیاست های مخربانه آل سعود در منطقه شکل گرفت.

■ سکوت غرب در مقابل فاجعه منا

کشورهای غربی که در سال های گذشته از همه جنایات عربستان سعودی در منطقه و جهان حمایت کرده و چشم خود را به روی این جنایات بسته اند، در فاجعه منا هم این رویکرد خود را ادامه و بار دیگر نشان دادند که در همدستی با عربستان از هیچ اقدامی فروگذار نمی کنند.

وزارت خارجه امریکا پس از بروز حادثه بدون اینکه از بی تدبیری سعودی ها انتقاد کند با صدور بیانیه ای تنها به پادشاه عربستان و همچنین خانواده های شهدا تسلیت گفت. انگلستان متحد اصلی امریکا که سیاست های خود در نظام بین الملل را مطابق با



مدعی بودند شهید رکن آبادی اصلاً به عربستان نیامده!

رژیم سعودی گستاخانه مدعی شد آقای رکن آبادی اصلاً به عربستان وارد نشده است در حالی که ایشان پیام رهبر معظم انقلاب را در روز برائت از مشرکان قرائت کرده بود و مجری برنامه بود. چه بسا شهید رکن آبادی را به محلی برده و شکنجه داده باشند. من فاجعه منا را یک جنایت برنامه ریزی شده می دانم که با ضعف مفرط دولت ایران مواجه شد و اگر نبود آن موضع قاطع و مدبرانه رهبر معظم انقلاب حفظه الله تعالی واقعاً کشور در سطح جهان توسط یک رژیم پست عقب مانده جنایتکار تحقیر شده بود.



گفت و گو با محمد حسین رجبی دوانی استاد و کارشناس تاریخ اسلام

نباید در فاجعه عمدی منا سخنگوی سعودی می شدیم

✻ جواد محرمی

حضور زائران ایرانی در مراسم حج سابقه ای بیش از هزار سال دارد و به طور طبیعی از زمانی که ایرانیان اسلام ناب را از سمت آشنایی با آموزه های اهل بیت (ع) دریافت کردند سفر به حجاز برای به جا آوردن اعمال حج برقرار شده است. این موضوع البته با فراز و فرودهایی مواجه بوده است و بخش مهمی از آن به سال های برقراری نظام اسلامی در ایران مربوط می شود که آن را در گفت و گو با محمد حسین رجبی دوانی به بحث نشستیم.

امامان میان ایران و عثمانی در می گرفت ممانعت ها و مزاحمت های زیادی برای زائران ایرانی ایجاد می کردند و بعضاً معترض جان و مال حجاج ایرانی می شدند و برخی هم معتقدند توجه خاص شاه عباس و دیگر شاهان صفوی به مشهد مقدس ریشه در این داشت که مردمی که به دلیل مانع تراشی های عثمانی نمی توانستند به مکه مشرف بشوند بیشتر بتوانند به زیارت امام رضا (ع) بروند گرچه تانیمه سلسله صفوی عتبات عالیات شامل کربلا و نجف و کوفه و سامرا و کاظمین و بخش عمده ای از کشور عراق کنونی در دست حکومت ایران بود.

ظاهر واهبیت هم در زمان حکومت عثمانی بر مکه سلطه پیدا می کند؟

به موازات ضعیف شدن دولت عثمانی فشارها بر زائران ایرانی هم کمتر می شود اما به تدریج در اواخر قرن ۱۲ و اوایل قرن ۱۳ واهبیت در مکه قدرت پیدا می کند و کشته و کشتارهای وسیعی در حرمین انجام می دهند. در مکه برای مدتی مردم را محاصره کردند و مردم از فقر و گرسنگی به خوردن حیوانات داخل شهر روی آوردند. اگرچه همچنان حرمین شریفین به ظاهر تحت حکومت عثمانی است اما در واقع این واهبیت تحت سلطه استعمار است که بر مکه و مدینه سلطه دارد و این غده سرطانی

اما از دورهای که دولت عباسیان رو به ضعف می رود و حرمین شریفین تحت سلطه فاطمیون مصر در می آید هیچ مزاحمتی برای زائران خانه خدا ایجاد نمی کنند و از همه مذاهب و فرق به زیارت خانه خدا می روند. فقط در یک مقطعی پیش از سلطه فاطمیون مصر در زمان مقتدر عباسی که بر خلاف اسمش اتفاقاً آدم بی اقتداری بود حکومت اسلامی آنقدر ضعیف شده بود که یک گروه وحشی و به اصطلاح امروزی تروریستی تکفیری به نام قرامطه بر مکه مسلط شدند و به زائران خانه خدا حمله کردند و مکه را به تصرف خود در آوردند و حاجیان را قتل عام کردند و حجرالاسود را نیز کینند و با خود بردند. برای چندین سال حجر در جای خود نبود و این دولت فاطمی مصر بود که پول کلانی داد تا حجر را به مکه بازگردانند.

در عهده که فاطمیون تضعیف می شوند و ایوبیان بر مکه و مدینه مسلط می شوند در شمال آفریقا و حجاز و شام ایجاد مشکل می کردند و پس از اینکه مضمحل شدند به تدریج مکه و مدینه به دست عثمانی ها افتاد و آنها تا زمانی که دولت صفوی در ایران شکل نگرفته بود حساسیتی نسبت به زائران ایرانی از خود نشان نمی دادند اما پس از شکل گیری حکومت صفوی و جنگ هایی که

تا پیش از اینکه ایران هویت یک کشور شیعی و مستقل را به خود بگیرد مراسم حج به چه شکلی اداره می شد؟

حرمین شریفین تا زمانی که دولت غاصب امویان در رأس کار بود فقط در یک مقطع و آن هم در زمان قیام عبدالله بن زبیر که مکه را تصرف می کند از دست بنی امیه خارج و دست بنی امیه از مکه و مدینه قطع می شود. مروان بن عبدالملک در بیت المقدس قبه الصخره یعنی همین مسجدی را الان به اشتباه نماد قدس خوانده می شود، با هدف بازداشتن مردم شام از زیارت مکه بنا می کند و با این ادعا که پای پیامبر در هنگام رفتن به معراج بر این سنگ گذاشته شده آن بنا را ایجاد کرده و به مردم شام اعلام کرد که همینجا طواف کنید و اعمال به جا بیاورید و این را تا زمانی که مکه در دست زبیریان بود، به عنوان اعمال حج باب کرده بود لذا شامی ها به جای اینکه مکه بروند در آنجا به صورت انحرافی اعمال به جا می آوردند، اما دولت عباسی که به روی کار آمد تا زمانی که اقتدار داشت مکه و مدینه در اختیار آنها بود و امین الحاج را آنها تعیین می کردند و از نقاط مختلف عالم اسلام حتی از آنجلس که تابع عباسیان نبود و جدا شده بود بدون هیچ مزاحمتی برای زیارت خانه خدا راهی می شدند.

از برخی کشورها مثل مصر و برخی کشورهای شمال آفریقا به تظاهرات برائت از مشرکان می پیوستند و به گونه ای احساس می کردند که می توانند در یک فضای مذهبی به شعائر اسلامی و اجتماعی بپردازند. برای مثال بن علی، حاکم کشور تونس حتی صدای اذان در این کشور را ممنوع اعلام کرده بود و به طور طبیعی وقتی مردم این کشور به حج می آمدند از تظاهرات برائت از مشرکان استقبال می کردند

را سال ها پیش از اینکه اسرائیل را بر بیت المقدس حاکم کنند بر شبه جزیره عربستان و مقدس ترین شهرهای عالم مستولی می کنند. گرچه اینها برای همه فرق و مذاهب ایجاد ناامنی می کردند چون واهبیت فقط خودشان را قبول دارند ولی از آنجا که شیعیان را کافر قلمداد می کنند شرایط برای ایرانیان بسیار سخت تر رقم می خورد.

در زمان محمدرضا پهلوی در سال ۱۳۲۲ با وجود تمام سختی هایی که برای سفر به حج بود در یک مقطعی یک ایرانی به نام ابوطالب یزدی را حین انجام اعمال حج به اتهام دروغین آلوده کردن بیت الله گردن می زنند و کشور ایران هم با وجود آنکه آن زمان شاه جوان و بی تجربه ای داشت و کشور در اشغال متفقین بود به شدت عکس العمل نشان می دهد و روابط تیره و قطع می شود و دولت ایران مدت چهار سال از اعزام حاجی به مکه ممانعت به عمل می آورد. ما از ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد حرف می زنیم که ایران کاملاً به نوکر امریکا در منطقه تبدیل شده بود اما دولت ایران در همان شرایط با وجود اینکه تنها یک زائر ایرانی در عربستان کشته شده بود عکس العمل نشان می دهد. در سال های حکومت پهلوی ما شاهد ماجرای تلخ دیگری در جریان حضور حجاج ایرانی در مکه نیستیم و به دلیل اینکه ایران و عربستان هر دو مهره های امریکا در منطقه محسوب می شدند، روابط متعادلی میان دو کشور برقرار بود. ایران و سعودی در این مسئله که حج یک مسئله کاملاً فردی است اشتراک نظر داشتند و جنبه های اجتماعی و سیاسی مراسم حج کاملاً از سوی دو کشور نفی می شد. با آن سبک حج گزاری دولت سعودی هم مشکلی نداشت. اما از زمان سفرش را با ایران آغاز کرده بود.

اما از زمانی که انقلاب اسلامی در ایران به پیروزی رسید و اسلام را از جنبه فردی صرف به عنوان دینی که جنبه های سیاسی و اجتماعی گسترده ای دارد به جهان عرضه کرد و می توانست به عنوان یک الگو در میان ملت های جهان مطرح شود، حساسیت های سعودی ها به شدت زیاد شد

رئیس جمهور باید در روز اول سفرش به نیویورک را الغومی کرد

در کشورهای دیگر وقتی حوادثی به مراتب کوچک تر از این صورت می گیرد، سران کشورها سفرهای خود را الغومی کنند و به احترام مردم کشور بازمی گردند و پیگیر ماجرا می شوند. برای مثال کشور فرانسه به دلیل حادثه تروریستی در این کشور سفر رئیس جمهور ایران را لغو می کند، این یعنی احترام به ملت فرانسه. رئیس جمهور ما پنج روز از سفرشش روزه را در نیویورک مانده و روز پنجم می گوید من سفرم را نیمه تمام می گذارم و برمی گردم



www.javanonline.com

حاجیان لب تشنه شهید

ویژه حادثه منا

روزنامه جوان | شهریور ۱۳۹۵

پوتین روی اجساد راه می رفتند.

دو اتفاق دیگر هم مدتی پیش تر افتاد؛ یکی ماجرای رها شدن جرثقیل بود که باز ما چند نفر از هموطنانمان و به ویژه یکی از دانشمندانمان را در آن ماجرا از دست دادیم و یکی هم ماجرای فرودگاه جده بود که دو نوجوان ایرانی مورد تعرض قرار گرفتند. به نظر می رسد این ماجراها می توانست برای دستگاه های ما هشدار آمیز تلقی شود و پیش بینی ماجرای سومی را در حج بکنند و هشدارهای لازم را به حجاج بدهند؟

مقامات ما با کمال تأسف در مقام توجیه فاجعه برآمدند، گویی که اینها سخنگوی آل سعود هستند. در آن عمل وقیحی که در مورد دو نوجوان ایرانی در فرودگاه جده صورت گرفته بود، مسئول وزارت خارجه ایران می گوید سعودی ها قول داده اند که به زودی پرونده را به دادگاه ارجاع کنند. گویی که دارد در مقام سخنگو و توجیه کننده سعودی ها به ملت ایران گزارش می دهد. او باید طلبکارانه بگوید تا وقتی که دادگاهی تشکیل نشود و متجاوزان به دو نوجوان محاکمه نشوند ما عذر سعودی ها را نخواهیم پذیرفت یا راجع به فاجعه منا رئیس جمهور حاضر نمی شود سفر امریکا را لغو کند و به کشور بر گردد. روز اول حضور رئیس جمهور در امریکا این فاجعه رخ داد. در کشورهای دیگر وقتی حوادثی به مراتب کوچک تر از این صورت می گیرد، سران کشورها سفرهای خود را لغو می کنند و به احترام مردم کشور بازمی گردند و پیگیر ماجرا می شوند. برای مثال کشور فرانسه به دلیل حادثه تروریستی در این کشور سفر رئیس جمهور ایران را لغو می کند، این یعنی احترام به ملت فرانسه. رئیس جمهور ما پنج روز از سفرشش روزه را در نیویورک مانده و روز پنجم می گوید من سفرم را نیمه تمام می گذارم و برمی گردم. اگر بنای بازگشت برای احترام به شهید بود باید در همان لحظه که خبر مخابره شد لغو سفر صورت می گرفت و وزیر خارجه ما در ضعف بی سابقه ای که می تواند از یک مقام ارشد کشور در مواجهه با چنین فاجعه ای رخ دهد به جای اینکه طلبکار باشد و از خود واکنش متناسب با شأن ملت ایران نشان دهد صرفاً وزیر خارجه عربستان را تحویل نمی گیرد. یک گزارش هم می دهند که مالز امیر محترم کویت خواهش کردیم که از پادشاه عربستان تقاضا کند تا اجازه حضور وزیر خارجه ما به عربستان را بدهد. تحقیر ناشی از ضعف مسئولان دولتی ایران در تاریخ جمهوری اسلامی بی سابقه است.

جالب است که یکی از اعضای برجسته وزارت خارجه ایران در این ماجرا ناپدید شده است.

بله غضنفر رکن آبادی و متأسفانه اخبار این موضوع در کشور به درستی منعکس نشد چرا که ایشان ظاهراً زنده بوده اند و چه بسا ایشان را به محلی برده و شکنجه داده باشند چون ایشان سفیر ایران در لبنان بودند و از خیلی از مسائل استراتژیک اطلاع زیادی داشتند.

اگر هیچ زائر ایرانی در منا کشته نمی شد و فقط همین یک اتفاق در مکه می افتاد و سفیر ایران در لبنان ناپدید می شد، وزارت خارجه باید خود را به آب و آتش می زد.

رژیم سعودی گستاخانه مدعی شد: آقای رکن آبادی اصلاً به عربستان وارد نشده است در حالی که ایشان پیام رهبر معظم انقلاب را در روز برائت از مشرکان قرائت کرده بود و مجری برنامه بود. بنابراین من فاجعه منا را یک جنایت برنامه ریزی شده می دانم که با ضعف مفرط دولت ایران مواجه شد و اگر نبود آن موضع قاطع و مدبرانه رهبر معظم انقلاب حفظه الله تعالی واقعا کشور در سطح جهان توسط یک رژیم پست عقب مانده جنایتکار تحقیر شده بود. ❀

خدا سابقه زیادی دارند.

روابط ایران و عربستان در این دوره چه شکلی به خود گرفت؟

پس از فاجعه خونین مکه به مدت سه سال روابط و اعزام زائر با عربستان تا سال ۷۱ به طور کلی قطع شد. حضرت امام (ره) در پیامی که به مناسبت این فاجعه صادر کردند از آل سعود به عنوان مشرک یاد می کنند و حتی در آن پیام یادآور می شوند ما اگر از امریکا و اسرائیل و صدام بگذریم از آل سعود به خاطر این جنایت که هتک حرمت الهی بود نخواهیم گذشت و وعده انتقام از آل سعود می دهند. کلام امام می رساند که آل سعود برای اسلام از امریکا و صهیونیسم بدتر و سرسخت تر است.

واکنش وزارت خارجه وقت در مقابل کشتار خونین مکه چه بود؟

آن زمان ما در مقطع جنگ تحمیلی به سر می بردیم، نمی شد جبهه های جدید را باز کرد. البته این در حقوق بین الملل پذیرفته است که وقتی اتباع شما در کشور دیگری حضور دارند و آن کشور وظیفه دارد جان و مال افراد را حفظ کند اگر خلاف عمل کرد به ویژه وقتی در یک حجم وسیعی به وقوع بپیوندد که اینگونه بود و حدود ۴۰۰ ایرانی در آن فاجعه شهید شده بودند، آن کشور حق انتقام دارد و می تواند به هر وسیله ای ضربه بزند. البته موضع مقتدرانه حضرت امام (ره) و رئیس جمهور بسیار مناسب و خوب بود، درست است که راه حج باید باز می شد اما به نظر من این درست نبود که ما پس از جمعه خونین مکه با رژیم سعودی پسر خاله شویم و آن جنایات را نادیده بگیریم گویی که هیچ اتفاقی نیفتاده است. برخی مسئولان در دولت ها رفاقت خصوصی هم با این جانیان برقرار کردند و حتی از ایران میوه های مخصوص برای آنها ارسال می کردند و این درست در جهت عکس آن چیزی بود که ما باید عمل می کردیم. روابط در جهتی که حج برقرار باشد منطقی است اما این روابط باید حد و مرز مشخصی می داشت که اینگونه نبود و برخی دولت ها اصرار زیادی بر دوستی و مودت با آل سعود داشتند.

ظاهر اهر قدر ما انعطاف بیجان نشان دادیم آنها گستاخ تر شده اند.

بله، به خصوص اینکه سعودی ها تصورشان این بود که جمهوری اسلامی با جنگ از میان خواهد رفت ولی عکس آن را دیدند و کسی را که خودشان به عنوان دژ شرقی امت عرب علم کردند و میلیاردها دلار کمک های بلاعوض و تسهیلات و اختیار او گذاشتند در نهایت به جان خودشان افتاد. اینها همواره حرمت ماه های حرام را هم حفظ نکرده اند.

جنایت آل سعود در سال گذشته تقریباً پس از ۱۸ سال از جنایت این رژیم در جمعه خونین مکه اتفاق افتاد. گویا این بار سعی کردند شکل ماجرا را عادی و اتفاقی جلوه دهند؟

معتقدم جنایات سال ۹۴ آل سعود در مسجد الحرام به انگیزه انتقام از دفاع مردانه ملت یمن و به خاطر حمایت معنوی ایران از این مردم ستمدیده انجام گرفت. من یقین دارم فاجعه عامدانه و برنامه ریزی شده از سوی حکام آل سعود انجام شد و بی کفایتی و سهل انگاری نبوده است. من سال ۸۴ به مکه مشرف شدم و آن زمان متوجه شدم که شیعه عمدتاً صبح ها به جمرات می روند و اهل تسنن بعد از ظهر می روند. چون جمعیت شیعه کمتر است صبح ها خلوت تر است. همان سال که ما مشرف شدیم متوجه شدم آل سعود نسبت به زائران خانه خدا سهل انگاری و بی اعتنائی زیادی اعمال می کند. مسیر رفت و برگشت این همه زائر برای رمی جمرات یکی بیشتر نبود و زائران با هم مواجه می شدند. کافی بود نرده ای بگذارند تا یک طرف رفت باشد و طرف دیگر برگشت و اینها این کار ساده را هم انجام نداده بودند چون اصولاً ترجیح می دهند اعمال حج

پس از فاجعه جمعه خونین مکه نباید با عربستان پسر خاله می شدیم. این درست نبود که ما پس از جمعه خونین مکه با رژیم سعودی پسر خاله شویم و آن جنایات را نادیده بگیریم گویی که هیچ اتفاقی نیفتاده است. برخی مسئولان در دولت ها رفاقت خصوصی هم با این جانیان برقرار کردند و حتی از ایران میوه های مخصوص برای آنها ارسال می کردند!

با سختی بیشتری برای حجاج انجام شود یا اینکه برخی حجاج آفریقایی در مسیر اتراق کرده بودند و اختلال ایجاد شده بود و تعداد زیادی افراد فقیر و گدا نیز سر راه نشسته بودند آن هم در کشوری که روی درباری ثروت قرار گرفته است و درآمد آن از حج به تنهایی کفایت همه جمعیتش را می کند. آنقدر بی وجود هستند که نمی گویند اینها برای اعتبار کشورشان بد است و لذا معلوم بود که اگر کسی تصمیم بگیرد که بی نظمی ایجاد کند به راحتی فاجعه رخ می دهد و اینها تدارک این فاجعه را از پیش دیده بودند. بی کفایتی که مطرح می شود ناشی از اراده آنها برای قداست زدایی از حج است یعنی همان حرفی که حضرت امام (ره) فرمودند که اینها قصد قداست زدایی دارند. اگر دست آل سعود باشد اینها دوست دارند مراسم حج جمع شود و اصلاً در کار نباشد. همان سال ۸۴ که بنده مشرف شده بودم فاجعه رخ داد و ۴۰۰ نفر شهید شدند و متأسفانه چند ایرانی سنی هم که حاضر نشده بودند با ایرانی ها در وقت صبح به رمی جمرات بروند در همان فاجعه شهید شدند که آیات الله تسخیری جایی می گفتند من رفتم با آنها صحبت کردم که چرا تدبیری برای این مسئله نمی اندیشید و آنها در کمال پررویی و طلبکاری پاسخ می دادند که مگر شما به قضا و قدر اعتقاد ندارید؟! مرگ آنها رسیده بود و باید می مردند!

اما فاجعه منادر سال ۹۴ صبح اتفاق افتاد.

بله، حرف من هم همین است چرا که در موقع صبح از دحام جمعیت به آن شکل وجود ندارد که به طور طبیعی فاجعه رخ بدهد. آنها راه را بسته بودند و مسیر را هم پر از دوربین مدار بسته کرده اند تا اگر کسی شعاری داد و کاری کرد سرعاً وارد عمل بشوند و برخورد کنند. این تراکم جمعیتی که اتفاق افتاده کاملاً ساختگی ایجاد شده است. حتی برای زائران ایرانی که قصد آبرسانی داشته اند هم مانعت ایجاد می کنند. همه اینها نشان می دهد که عمدی در کار بوده است. هلیکوپترها بالا در پرواز بودند و زائران می گویند اینها اگر مقداری پایین می آمدند و باد آنها به مجروحان می خورد بسیاری از حجاج زنده می ماندند. اول راه را می پندند و سپس از کمک رسانی مانع می شوند و اینها در حالی اتفاق می افتد که در دوربین ها تماشا می کنند که چه اتفاقی در حال رخ دادن است. عده ای هم با وقاحت تمام با

در موقع صبح از دحام جمعیت به آن شکل وجود ندارد که به طور طبیعی فاجعه رخ بدهد. آنها راه را بسته بودند و مسیر را هم پر از دوربین مدار بسته کرده اند تا اگر کسی شعاری داد و کاری کرد سرعاً وارد عمل بشوند و برخورد کنند. این تراکم جمعیتی که اتفاق افتاده کاملاً ساختگی ایجاد شده است

محسن با آیه قرآن زندگی می‌کرد

تا معنای آیه‌ای را متوجه نمی‌شد محال بود آن آیه را تلاوت کند. ساعت‌ها روی معنای آیه‌ها تمرکز می‌کرد. بدون اغراق می‌گوییم کمتر قاری‌ای را تا به حال دیده‌ام که اینقدر روی معنای آیه‌ها حساس باشد. به معنای واقعی کلمه با آیه قرآن زندگی می‌کرد. اول سعی می‌کرد قرآن را بفهمد و بعد آن را تلاوت کند. محسن شاگردانی تربیت کرد و پرورش داد که امیدوارم راه او را بروند و جای خالی‌اش را پر کنند. او فقط قرآن به آنها آموزش نمی‌داد، بلکه به تمام معنا با آنها زندگی می‌کرد و دوستان داشت



گفت‌وگو با برادر شهید نخبه‌قرآنی درباره تدبیر دولت و سرنوشت نخبگان در فاجعه منا

شاهدان می‌گویند محسن را زنده بردند

زهر اچیزی صدیقه رضوانی نیا

«وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا»: (هنگامی که خانه کعبه را محل بازگشت و مرکز امن و امان برای مردم قرار دادیم!) این بخشی از آیه ۱۲۵ سوره بقره و آخرین تلاوتی است که توسط قاری برجسته و ممتاز کشورمان شهید محسن حسینی کارگر بعد از حادثه سقوط جرثقیل و کشته شدن ۱۱۰ زائر و مصدومیت ۴۰۰ زائر دیگر در کنار خانه کعبه تلاوت شد تا کنایه‌ای باشد به مأموریت آل سعود برای خدشه‌دار کردن این امنیت. تنها چهار روز بعد از این تلاوت بود که نفر اول پنجاه و هفتمین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم مالزی هم در ازدحام دست‌ساخته سعودی‌ها در خیابان ۲۰۴ در مسیر رمی جمرات به همراه هزاران حاجی دیگر زیر دست و پا ماند و شهید شد تا یکی از نخبه‌های قرآنی جهان در کنار خانه خدا جاودانه شود. بعد از این حادثه ۶۸ کشور مسلمان دنیا برای شهید محسن حاجی حسینی کارگر مراسم بزرگداشت برگزار کردند و این قاری قرآن مشهدهای برای همیشه در بهشت ثامن در طبقه زیرین صحن جمهوری بارگاه امام رضا (ع) آرام گرفت. سراغ مصطفی حاجی حسینی کارگر برادر این شهید رفته‌ایم تا آسمانی‌شدن این نخبه قرآنی را از زبان او روایت کنیم.

چه شد که برادر شما راهی سفر خانه خدا شد؟

مرسوم است قاریانی را که در مسابقات بین‌المللی مقام می‌آورند، در همان سال به حج اعزام می‌کنند زیرا این افراد بهترین گزینه برای اجرای برنامه‌ها در حج هستند و برای اعزام به حج در اولویت قرار دارند.

رتبه نخست مسابقات قرآن مالزی بعد از ۱۰ سال افتخاری بود که برادر شما را به یک چهره قرآنی جهانی تبدیل کرد. آقا محسن چه سوابق درخشان دیگری داشت؟

آقا محسن از همان دوران کودکی و دانش‌آموزی در میادین قرائت آیات ناب الهی بارها خوش درخشید و سه مقام کشوری داشت. در نوجوانی رتبه افتخاری مسابقات بین‌المللی قرآن حج را در قرائت به دست آورد و بعد از آن مقام دیگر در هیچ مسابقه‌ای شرکت نکرد چون هدفش مقام آوردن نبود بلکه هدفش تأثیرگذاری بر مخاطبان قرآن بود. سال ۹۳ بود

که احساس کرد باید دوباره وارد مسابقات شود و در مسابقات نیروهای مسلح اول شد. بعد از آن در مسابقات کشوری اوقاف و در نهایت در مسابقات بین‌المللی قرآن مالزی شرکت کرد و توانست پس از یک دهه با جابه‌جا کردن رتبه مسابقات مالزی از ۸۸ به ۹۵ رتبه نخست را به دست آورد. مسابقات قرآن مالزی هم به لحاظ قدمت و هم اعتبار یکی از معتبرترین مسابقات قرآنی جهان است. پس از این رتبه بود که همان سال به حج اعزام شد و به شهادت رسید.

آیا حال و هوای آقا محسن این اواخر تغییر نکرده بود؟

من تا به حال این را رسانه‌ای نکردم، اما او یک سال مانده به اینکه در مسابقات شرکت کند خواب می‌بیند که فوت کرده و دو بار هم در بیداری احساس می‌کند که روحش از بدنش جدا شده و هر بار که این را به من می‌گفت من به ایشان می‌گفتم شاید بابت خستگی است و اینطور فکر کردی. ولی می‌گفت من احساس

می‌کنم مرگم نزدیک است. همیشه هم دوست داشت مرگش به صورت عادی نباشد و دوست داشت شهید شود. در حج سقوط جرثقیل اتفاق افتاد و ما با پیگیری زیاد توانستیم او را پیدا کنیم و از سلامتی‌اش باخبر شویم. وقتی در آخرین تماسم با وی صحبت می‌کردم آقا محسن خیلی ناراحت بود و می‌گفت ای کاش من هم در این ماجرا بودم و شهید می‌شدم. تا بالاخره چند روز بعد حادثه منا اتفاق افتاد و محسن شهید شد.

معمولاً اتفاقات اینچنینی به دل اعضای خانواده و به خصوص پدر و مادرها می‌افتد. شما هنگام سفر آخر آقا محسن چه حسی داشتید؟

آقا محسن در همان فرودگاه که بنا بود به حج برود سه بار خداحافظی کرد و برگشت و دوباره رفت و ما یک جورهایی نگران بودیم که چرا سه بار وی برگشت و دوباره خداحافظی کرد. مادر هم همین را گفتند که چرا محسن این بار اینطور بود، چرا که قبلاً هم دو بار



“

ما توان مالی‌اش را نداشتیم در بهشت ثامن و حرم مطهر مزاری تهیه کنیم. به تولیت آستان قدس تقاضا دادیم، اما همان لحظه از دفتر مقام معظم رهبری با من تماس گرفتند و من به ایشان تقاضایم را گفتم. ۶۸ کشور برای آقا محسن بزرگداشت گرفتند و عکس‌هایش را منتشر کردند. با موافقت مقام معظم رهبری مزاری را در بهشت ثامن در طبقه زیرین صحن جمهوری به آقا محسن اختصاص دادند

به حج مشرف شده بود. در مدت حج هر روز من با او تماس داشتم. حج سال گذشته هم که بسیار پراستقامت بود و روزی نبود که اتفاقی نیفتد.

حتماً شنیده‌اید که وقتی انسان برای نخستین بار چشمش به خانه خدا بیفتد هر داعی کند مستجاب می‌شود. من احساس می‌کنم در حج سال گذشته وقتی آقا محسن برای نخستین بار چشمش به خانه خدا افتاده از خدا شهادت خواسته و این خواسته‌اش مستجاب شده است.

گویا آقا محسن دیدارهایی هم با مقام معظم رهبری داشتند. درباره این دیدارها بر ایمان بگویید.

محسن همیشه از دیدارهایش با رهبری به عنوان بهترین خاطرات زندگی‌اش یاد می‌کرد. هر گاه مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) به مشهد می‌آمدند، از محسن دعوت می‌شد که به دیدار ایشان برود و محسن نیز این دیدارها را بهترین فرصت‌های عمرش تلقی می‌کرد.

البته این را بگویم که این عشق دو سویه بود. یادم است سال ۹۰ در ایام نوروز رهبری مشهد تشریف آورده بودند. در تالار آینه حرم رضوی قاریان دیداری با معظم له داشتند که شهید حاج محسن هم در آن جلسه بودند، مجری مراسم یک به یک افراد را به آقا معرفی می‌کردند تا رسید به محسن. مجری در معرفی ایشان می‌گوید: آقای محسن حاجی حسینی، حضرت آقا، سری تکان می‌دهند و می‌فرمایند: بله حسینی کارگر! درست است؟

که این دقت نظر رهبری که حتی پسوند فامیل محسن را می‌دانستند برای همه از جمله برای خود محسن جالب بود.

وقتی هم که محسن در منا به شهادت رسید اولین کسی که به ما تسلیت گفت ایشان بود. از دفتر رهبری



www.javanonline.com

حاجیان لب تشنه شهید

ویژه حادثه منا

روزنامه جوان | شهریور ۱۳۹۵

بله، محسن آیه‌ای از سوره زمر را عجیب دوست داشت؛ آیه‌ای که بسیار امیدبخش است و مضمونش این است که هر گناهی کنید خداوند آنقدر آمرزنده و مهربان است که اگر توبه کنید شما را می‌بخشد. محسن این آیه را خیلی دوست داشت و می‌گفت این آیه به انسان امیدهای عجیبی می‌دهد.

درباره قرآن چه اعتقادی داشت که فکر او را خاص می‌کرد؟

او سخت اعتقاد داشت که درباره قرآن «تأمل» و «تعمل» لازم است یعنی وقتی قرآن می‌خوانید اول درباره آن تأمل، تفکر و اندیشه کنید و در مرحله بعد به آن عمل کنید. این شعار او یعنی تأمل و عمل در بین دوستان و شاگردانش خیلی مشهور است و حتی در شبکه‌های اجتماعی هم که فعالیت داشت همیشه این حرفش را تکرار می‌کرد. خودش هم اینطور بود تا معنای آیه‌ای را متوجه نمی‌شد محال بود آن آیه را تلاوت کند. ساعت‌ها روی معنای آیه‌ها تمرکز می‌کرد. بدون اغراق می‌گویم کمتر قاری‌ای را تا به حال دیده‌ام که اینقدر روی معنای آیه‌ها حساس باشد. محسن به معنای واقعی کلمه با آیه قرآن زندگی می‌کرد. اول سعی می‌کرد قرآن را بفهمد و بعد آن را تلاوت کند.

او چه چیزی برای جامه قرآنی ما به یادگار گذاشت؟

محسن شاگردانی تربیت کرد و پرورش داد که امیدوارم راه او را بروند و جای خالی‌اش را پر کنند. او فقط قرآن به آنها آموزش نمی‌داد، بلکه به تمام معنا با آنها زندگی می‌کرد و دوستانش داشت. محسن توافقی داشت که باعث می‌شد حتی برای کسانی که خیلی در تلاوت ضعیف بودند وقت بگذارد. اینطور نبود که چون خودش استاد خبره‌ای است پس فقط باید با آدم‌های خیلی قوی کار کند، نه اتفاقاً با وجود اینکه چهره مشهوری بین قاریان بود اما سعی داشت خالصانه در راه قرآن قدم بردارد و خدمت کند. اخلاص او، علاقه‌اش به قرآن، شاگردانش، تلاوت‌هایی که از او بر جای ماند و... از یادگارهای محسن ماست.

شما فاصله سنی خیلی کمی با برادر داشتید و از طرفی استاد او محسوب می‌شدید، شهادت او چه تأثیری روی شما داشت؟

رفتن محسن برای من خیلی سخت بود. خیلی سخت. یاد نمی‌آید در زندگی‌ام به اندازه شهادت محسن سختی کشیده باشم به خصوص یکی در روزی که در حالت انتظار بودیم که آیا او زنده است یا نه؟ روزهای خیلی سختی بود.

من آنقدر به محسن نزدیک بودم که خیلی‌ها به شوخی به ما دوقلوهای افسانه‌ای می‌گفتند چون همه جا با هم بودیم. به لحاظ اخلاقی هم خیلی شبیه هم بودیم. از کودکی مادوتا با هم بودیم. از جزئی‌ترین اتفاقات زندگی هم خبر داشتیم، حتی حساب‌های مالی ما با هم بود. کسانی که ما را می‌شناختند به این دوستی و ارتباط روحی نزدیک ما غیبه می‌خوردند.

انگار یک جور ی با هم داشتیم مسیر زندگی را می‌رفتیم که یک‌دفعه محسن از من جدا شد و رفت و این خیلی برای من سخت بود. همه فکر می‌کنند سر شهادت محسن مادر ما خیلی سختی کشیده که واقعا اینطور بود ولی خانواده ما می‌دانند که من چقدر اذیت شدم، مادرم همیشه می‌گوید: مصطفی تو دیگر چه کشیدی از رفتن محسن.

آخرین تلاوتی که از برادر شما منتشر شده تلاوتی



بهترین خاطرات زندگی محسن

محسن همیشه از دیدارهایش با رهبری به عنوان بهترین خاطرات زندگی‌اش یاد می‌کرد. هر گاه مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) به مشهد می‌آمدند، از محسن دعوت می‌شد که به دیدار ایشان برود و محسن نیز این دیدارها را بهترین فرصت‌های عمرش تلقی می‌کرد. البته این را بگویم که این عشق دو سویه بود. یادم است سال ۹۰ در ایام نوروز رهبری مشهد تشریف آورده بودند. در تالار آینه حرم رضوی قاریان دیداری با معظم له داشتند که شهید حاج محسن هم در آن جلسه بودند، مجری مراسم یک به یک افراد را به آقا معرفی می‌کردند تا رسید به محسن. مجری در معرفی ایشان می‌گوید: آقای محسن حاجی حسنی، حضرت آقا، سری تکان می‌دهند و می‌فرمایند: بله حسنی کارگر! درست است؟ که این دقت نظر رهبری که حتی پسوند فامیل محسن را می‌دانستند برای همه از جمله برای خود محسن جالب بود. وقتی هم که محسن در منا به شهادت رسید اولین کسی که به ما تسلیت گفت ایشان بود.

محسن قاری مدرن بود و به یک سبک جدید در تلاوت رسیده بود.

آقا محسن چه وقت‌هایی بیشتر قرآن می‌خواند؟

می‌توانم بگویم در همه اوقات. این را بدانید که کسانی که در حال قرآن آموزی هستند باید در زمان‌های مختلف تلاوت داشته باشند یعنی تلاوت در زمان‌های مختلف جزو ملزومات یادگیری قرآن است. محسن هم اینطور بود. در ۲۴ ساعت هر زمان که می‌توانست یا تلاوت داشت یا تلاوت قرآن گوش می‌داد. ما وقتی صبحانه می‌خوردیم یا وقت ناهار قرآن گوش می‌دادیم. با شنیدن قرآن به خواب می‌رفتیم. محسن هم که با قرآن مأنوس بود. یادم هست یکبار با دوستانمان شمال کشور مسافرت رفتیم. بچه‌ها داشتند جوجه کباب درست می‌کردند و من و او قرآن می‌خواندیم. دوستان ما تعجب کرده بودند و می‌گفتند حتی اینجا هم شما دست‌بردار نیستید.

یادتان مانده از میان آیه‌های قرآن کدام یک را بیشتر دوست داشت؟

آقا محسن در جریان سقوط جرثقیل در مسجدالحرام حضور داشت و می‌گفت این اتفاق به هیچ عنوان سهوی نبوده و کاملاً عمدی بوده است و حتی این صحبت مطرح شده بود که مخصوصاً پیچ‌های جرثقیل سست شده بود و برنامه‌ریزی به گونه‌ای بوده که این جرثقیل روی خانه خدا بیفتد و خانه خدا آسیب ببیند، اما با این وجود این اتفاق نیفتاد و خانه خدا کوچک‌ترین آسیبی ندید

روی این شوخ‌طبع بودن تأکید می‌کنم چون خیلی این خصوصیت را داشت. وارد هر جمعی که می‌شد سریع با آدم‌ها ارتباط برقرار می‌کرد و صمیمی می‌شد و شروع به شوخی و خنده می‌کرد. خیلی شخصیت طنزنازی داشت. در جلسات قرآنی هم این ویژگی با او بود تا حدی که بعضی‌ها نمی‌توانستند تلاوت کنند ولی او خودش خیلی راحت تلاوتش را انجام می‌داد و می‌توانست خنده‌اش را کنترل کند. کمتر کسی عصبانیت‌های محسن را دیده بود، چون او خیلی کم عصبانی می‌شد.

اصلاً چه اتفاقی باعث شد او به قرآن علاقه‌مند شود و سراغ کلام وحی برود؟

جو خانواده ما خیلی روی علاقه محسن تأثیر داشت. او در یک خانواده مذهبی که با قرآن انس داشتند به دنیا آمد. پدر همیشه جلسات قرآن می‌رفت و ما را هم با خودش می‌برد. در خانه ما جلسات قرآن برگزار می‌شد. خود من پای ثابت جلسات قرآن بودم و چون از محسن بزرگ‌تر بودم او را هم همراه خودم می‌بردم. اینها در علاقه‌مند شدن او نسبت به قرآن نقش مهمی داشت.

تلاوت او به سبک چه استادی بود؟

سؤال جالبی است. این را بدانید که محسن شحاتی نبود. خیلی‌ها فکر می‌کنند او به سبک شحات انور تلاوت می‌کرده و شحات خوان بوده است. درست است که از کودکی با سبک شحات انور آغاز کرد ولی در ادامه راه، به خصوص این اواخر او به سبک تازهای در تلاوت رسیده بود که یک سبک ترکیبی بود. سال ۸۶ وقتی او در محضر رهبر معظم انقلاب تلاوت داشت. ایشان سؤال کرده بودند شما به سبک چه کسی تلاوت می‌کنید؟ محسن جواب داده بود. ترکیب چند سبک است. آنجا معظم له به محسن می‌گویند به نظر من شما دیگر نیاز به تقلید از فرد خاصی ندارید.

با من تماس گرفتند و ضایعه ایشان را از طرف معظم له تسلیت گفتند و اعلام کردند که رهبری فرموده‌اند جامعه قرآنی ما مهره ارزشمندی را از دست داده از طرف من به خانواده ایشان سلام برسانید و تسلیت بگویید.

در دیداری هم که اواخر ما با ایشان داشتیم که من و پدرم در آن جلسه حضور داشتیم دوباره حضرت آقا ما را مورد لطف خودشان قرار دادند و فرمودند آقا محسن پار سال کنار ما بود و حالا نیست و جایش چقدر خالی است.

مرجع تقلید محسن حضرت آقا بود و ایشان حساس بود که حتماً سخنرانی‌های رهبری را دقیق بشنود. موبایل ایشان که بعد واقعه منا به ما تحویل داده شد را هم اگر شما بررسی کنید پر از تصاویر رهبری و فایل‌های سخنرانی ایشان است.

محسن انگشتی که مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) به او هدیه داده بودند را بهترین هدیه عمرش می‌دانست و همیشه آن را در انگشتش داشت. سال ۹۰ زمانی که در مسابقات مالزی رتبه آورده بودند و بعد در محضر رهبری تلاوت داشتند معظم له انگشت عقیقی برای ایشان به عنوان هدیه فرستادند که خیلی محسن آن را دوست داشت. همیشه در دستش بود و عکس آن را هم در صفحه اینستاگرامش گذاشته بود.

هنوز هم آن انگشت را دارید؟

نه متأسفانه. وقتی حج رفت آن انگشت در دستش بود اما وقتی جنازه را به ما تحویل دادند انگشت همراهش نبود و در وسایلش هم هر چه گشتیم انگشت را پیدا نکردیم...

از ویژگی‌های اخلاقی آقا محسن هم برایمان بگویید

او انسانی مهربان، خوش اخلاق و بسیار شوخ‌طبع بود.



به نظرم این حادثه برنامه ریزی شده بود

بعضی از همراهان آقامحسن هم بعد از این حادثه به ما گفتند که دیده شده که وی را زنده بردند و حتی عکس هایی را برای ما فرستادند که حالا بعضی ها می گویند آقا محسن است و بعضی ها می گویند فرد دیگری است. به نظر من حتماً این حادثه برنامه ریزی شده است. طبق اسناد موجود همه قسمت های مکّه و منا دوربین کار گذاشته شده و به طور یقین در شرایطی که این حادثه در حال رخ دادن بوده آنها این ماجرا را رصد می کردند و می توانستند جلوی این حادثه را بگیرند.

در کنار خانه کعبه است که بخشی از آیه ۱۲۵ سوره بقره را با این مضمون که این خانه را محل امن قرار دادیم، تلاوت می کنند. کنایه ای در این تلاوت احساس می شود. آیا این تلاوت برادر تان به حوادث حج سال گذشته ارتباطی داشت؟

آقا محسن در جریان سقوط جرثقیل در مسجدالحرام حضور داشت و می گفت این اتفاق به هیچ عنوان سهوی نبوده و کاملاً عمدی بوده است و حتی این صحبت مطرح شده بود که مخصوصاً پیچ های جرثقیل سست شده بود و برنامه ریزی به گونه ای بوده که این جرثقیل روی خانه خدا بیفتد و خانه خدا آسیب ببیند، اما با این وجود این اتفاق نیفتاد و خانه خدا کوچک ترین آسیبی ندید. آقا محسن معتقد بود از آنجایی که خدا خانه کعبه را محل امنی قرار داده با وجود برنامه ریزی سعودی ها اتفاقی برای خانه خدا نیفتاد، اما از سوی دیگر سعودی ها با پلیدی تلاش می کنند تا خانه خدا را ناامن کنند و بعد از ماجرای سقوط جرثقیل بود که در آخرین تلاوتش آیه ۱۲۵ سوره بقره را در کنار خانه کعبه قرائت کرد.

نظر خود شما درباره حوادث حج سال گذشته چیست آیا رد پای تعمد را در این حوادث احساس می کنید؟

بله قطعاً، سعودی ها به دنبال این هستند تا دین اسلام را کمرنگ کنند. یکی از مظاهر دین اسلام حج است و محلی برای نمایش وحدت مسلمانان اما سعودی ها با این کارشان تلاش کردند تا بین مذاهب مختلف مسلمانان تفرقه بیندازند. بعضی ها می گویند بی لیاقتی آل سعود از اداره حج اما به نظر من این حادثه کاملاً برنامه ریزی شده بود و با نقشه آمده بودند. کشته های رمی جمرات مسبوق به سابقه است و هر ساله تعداد زیادی کشته بر اثر ازدحام جمعیت داشتیم. یک مستندی هم ساخته شده در این باره که امسال تعداد زیادی از نخبه های سیاسی ما همانند دکتر رکن آبادی که ۱۵ بار تاکنون برای ترور وی تلاش کردند و ناموفق بودند اما در حج سال گذشته به دلیل بی تدبیری که در اعزام وی با هویت اصلی اش صورت گرفته، این نخبه سیاسی را هم از دست دادیم. اعزام این افراد نخبه به حج با هویت اصلی خودشان در حالی است که سعودی ها چند سالی است امنیت حج را به یک شرکت رژیم صهیونیستی به نام جی فوراس سپرده اند. حادثه سال گذشته هم نشان می دهد برای نخبه های ما برنامه داشته اند. بعضی از همراهان آقامحسن هم بعد از این حادثه به ما گفتند که دیده شده که وی را زنده بردند و حتی عکس هایی را برای ما فرستادند که حالا بعضی ها می گویند آقا محسن است و بعضی ها می گویند فرد دیگری است. به نظر من حتماً این حادثه برنامه ریزی شده است. طبق اسناد موجود همه قسمت های مکّه و منا دوربین کار گذاشته شده و به طور یقین در شرایطی که این حادثه در حال رخ دادن بوده آنها این ماجرا را رصد می کردند و می توانستند جلوی این حادثه را بگیرند. من فکر می کنم قطعاً این ماجرا با نقشه بوده است. در کل اما من متأسفم که دولت ما در برابر تدبیر پلید اینها تدبیر مناسبی نداشت و نخبه های ما را با مشخصات خودشان به این سفر اعزام کردند.

درباره روند تحویل پیکر برادر تان بفرمایید.

آیا در این موضوع با مشکل مواجه شدید؟

پیکر برادر من سالم بود، اما برخی از بدن های شهدا متلاشی شده بود، ولی پیکر با تأخیر به ما رسید و اگر صحبت های مقام معظم رهبری نبود مانمی دانستیم چه کار کنیم. قرار بود شهدا را در همان مکّه دفن کنند و اگر این اتفاق می افتاد مادر من زنده نمی ماند، اما بعد از صحبت های مقتدرانه رهبری پیکر را به ما تحویل دادند.

می دانم بازگشت به آن روزها و مرور خاطراتش برای شما سخت و تلخ است، چه چیزی از آن روزهای سخت در ذهن دارید؟

انتظار. انتظار سخت و طولانی که انگار تمامی نداشت. یادم است روز پنجشنبه عید قربان بود که اخبار اعلام کرد ۱۵ حاجی شهید شده اند، من به خودم گفتم بین آن همه آدم قطعاً محسن جزو این ۱۵ نفر نیست، به خصوص که او ورزشکار بود و توان جسمانی خوبی داشت. تا ظهر اصلاً ماجرا در ذهنم جدی نشد تا شب که دیدم آمار کشته ها در اخبار مدام در حال افزایش است، شب قدری نگران شدم و هاله ای از ترس و استرس بر من غالب شد. فردای آن روز یعنی جمعه به جرئت می توانم بگویم سخت ترین روز زندگی من بود که نمی توانم برای شما توصیف کنم که آن روز و روزهای بعدش چگونه بر من گذشت. داشتم قالب تهی می کردم، من دعا می کنم هیچ مسلمانی چنین شرایطی را تجربه نکند، چون خیلی سخت و طاقت فرسا بود. جمعه هم خبری نشد که ما با بعثه تماس گرفتیم آنها گفتند محسن جزو مجروحان است و در بیمارستان بستری است. جمعه که شب شد یعنی شب شنبه ما شرایط خیلی سختی را پشت سر گذاشتیم و خبری نشد. صبح شنبه از بعثه تماس گرفتند که بله آقا محسن شهید شده و ما مطمئنیم که جزو شهداست. من آن لحظه ای که این خبر را شنیدم که همسر هم همراهم بود بهتم زد. اصلاً نفهمیدم که چه شد که بعد مرا به بیمارستان منتقل کردند تا حالم بهتر شد. سخت تر از شنیدن این خبر این ماجرا بود که من باید خبر را به خانواده می دادم. غم برادری که همه می دانند چگونه ارتباطی مادو تا بهم داشتیم یک طرف، سنگینی این بار که باید به خانواده خبر می دادم طرف دیگر.

خیلی سخت بود زیر خرم من ها غم قرار داشتم. آنجا احساس کردم این یک آزمون الهی است و من باید تحمل کنم و البته به خدا هم شکایت می کردم که ابراهیم که پیامبر تو بود در روز قربان امتحانش کردی اما به جای اسماعیل گوسفندی برای او فرستادی، خدایا چگونه است که او که پیامبر تو بود انگار آسان تر از ما امتحان شد و آزمون ما سخت تر بود؛ اینکه ما در روز قربان اسماعیل مان را هم قربانی کردیم.

مزار برادر تان کجاست؟

ما توان مالی اش را نداشتیم در بهشت ثامن و حرم مطهر مزاری تهیه کنیم. به تولیت آستان قدس تقاضا دادیم، اما همان لحظه از دفتر مقام معظم رهبری با من تماس گرفتند و من به ایشان تقاضایم را گفتم. ۶۸ کشور برای آقا محسن بزرگداشت گرفتند و عکس هایش را منتشر کردند. با موافقت مقام معظم رهبری مزاری را در بهشت ثامن در طبقه زیرین صحن جمهوری به آقا محسن اختصاص دادند. *



قرآن! من شرمنده توأم

«قرآن، من شرمنده توأم اگر از تو آواز مرگی ساختم که هر وقت در کوچه مان آواز ت بلند می شود، همه از من می پرسند چه کسی مرده است؟ چه غفلت بزرگی که می پنداریم خدا تو را برای مردگان ما نازل کرده است...»

قرآن، از تو شرمنده ام اگر تو را از یک نسخه عملی به افسانه ای موزه نشین مبدل کرده ام. یکی ذوق می کند که تو را بر روی برنج نوشته و یکی ذوق می کند که تو را بر روی فرش نوشته است. یکی ذوق می کند که تو را بر طلا نوشته و یکی ذوق می کند که تو را بر کوچک ترین قطع ممکن منتشر کرده است...

قرآن، از تو شرمنده ام؛ حتی آنان که تو را می خوانند و تو را می شنوند، آن چنان به پایت می نشینند که خلاق به پای موسیقی هر روزه نشستند. اگر چند آیه از تو را بخوانند، مستمعین فریاد می زنند احسنت...! گویی مسابقه نفس است.

قرآن، من شرمنده ام اگر به یک فستیوال مبدل شده ای حفظ کردن تو با شماره صفحه، خواندن تو از آخر به اول یک معرفت است یا رکوردگیری؟ ای کاش آنان که تو را حفظ کردند، حفظ کنی تا این چنین تو را اسباب مسابقات هوش ندانند.

خوشابه حال هر کسی که دلش رحلی است برای تو؛ آنان که وقتی تو را می خوانند، چنان حظ می کنند که گویی قرآن همین حالا بر ایشان نازل شده است. آنچه ما با قرآن کرده ایم، تنها بخشی از اسلام است که به صلیب جهالت کشیده ایم.»

آخرین دست نوشته محسن حاجی حسنی کارگر

پس از فاجعه بزرگ انسانی در منا، لابی‌های عربستان در سراسر جهان به سرعت فعال شدند و از رسانه‌ها خواستند تا از گمانه‌زنی و پرداختن به پشت پرده این وقایع صرف‌نظر کنند تا چهره عربستان سعودی در نزد افکار عمومی جهان مخدوش نشود. گواه این ادعا انتشار مقاله‌ای در روزنامه نیویورک تایمز امریکا است که در ۱۵ شهریور ۹۳ (۶ سپتامبر) یک سال قبل از فاجعه منامقاله‌ای را منتشر کرد و در آن از وجود کمک‌های مالی هنگفت به مؤسسات، اندیشکده‌ها و اتاق‌های فکر در واشنگتن، با هدف ایجاد سیاستی خاص در دولت امریکا خبر داد.



دنیا را باد دلار «ساکت منا» کردند

نفر عنوان می‌کردند. اما آمار رسمی دولت عربستان از این واقعه تنها ۷۶۹ جانباخته است؛ دروغی بزرگ که نشان می‌دهد رسانه‌های مستقل که بتواند حکام سعودی را برای گرفتن آمار دقیق این فاجعه تحت فشار قرار دهد در داخل این کشور وجود ندارد و رسانه‌های خارجی نیز در این خصوص سکوت کرده‌اند.

بالین حال خبرگزاری آسوشیتدپرس در همان زمان کشته شدن ۲ هزار و ۴۲۶ نفر را تأیید کرد. رسانه‌های کشورمان نیز به نقل از سعید اوحدی رئیس سازمان حج و زیارت در همان زمان شمار کلی جانباختگان را حدوداً ۷۰ هزار و ۷۰۰ نفر گزارش کردند و با استناد به آمار غیررسمی و مشاهدات میدانی پیش‌بینی کردند که این آمار به بیش از ۸ هزار نفر خواهد رسید. در همین حال برخی خبرگزاری‌های داخلی و همچنین برخی رسانه‌های غیرایرانی در تاریخ هفتم مهر سال ۹۴ اعلام کردند معاون وزیر بهداشت عربستان، حمد بن محمد الضویلع، طی خبری که در پایگاه رسمی وزارت بهداشت عربستان منتشر شد، مجموع آمار کشته‌شدگان این حادثه را بر اساس عکس‌های دریافت‌شده از جانباختگان فاجعه، ۴ هزار و ۱۷۳ نفر ذکر کرد که این خبر از جانب منابع رسمی دولت سعودی تکذیب شد. همچنین برخی دیگر از پایگاه‌های خبری در تاریخ ۲۳ مهر ۱۳۹۴ به نقل از سایت البروج که یک سایت مخالف دولت عربستان است، آمار جانباختگان فاجعه منا را به استناد سندی که ادعا می‌شود از وزارت بهداشت عربستان افشا شده، ۷ هزار و ۴۷۷ نفر اعلام کردند. پایگاه‌های خبری مصری البیدیل، ام‌الدینامصر و سوریا‌الحدث نیز این آمار را تأیید کردند.

■ نوای حداقلی علیه عربستان

اما به رغم هزینه‌های کلان دولت سعودی برای سانسور رسانه‌ای این فاجعه تلخ، عمق این واقعه به حدی زیاد بود که رسانه‌های دنیاتوانستند به سادگی از کنار آن بگذرند و برخی مجبور به گزارش این حادثه شدند. اگرچه تنها چند روزنامه به صورت نصفه و نیمه از ضعف حکومت عربستان در اداره این مراسم دینی سخن به میان آوردند. بر این اساس، روزنامه ایندپندنت نوشت: «مقامات عربستان سعودی در تقلا برای توضیح علل وقوع این حادثه که بدترین حادثه در ایام حج در بیش از دودهم گذشته شمرده می‌شود، هستند». ایندپندنت نوشت: «مقامات سعودی در واکنش به انتقادات، مدعی هستند برخی از حجاج به ویژه حجاج آفریقایی از دستورالعمل‌های داده شده پیروی نکرده بودند، ضمن اینکه گر می‌شدید هوا و خستگی برخی از حجاج نیز در ایجاد حادثه دخیل بوده‌اند».

این روزنامه به نقل از تارک فتاح یک روزنامه‌نگار و محقق اندیشکده مجمع خاورمیانه در فیلادلفیا امریکا نوشت: «در پاسخ به ادعاهای صورت گرفته توسط مقامات سعودی در مورد نقش حجاج آفریقایی در ایجاد این حادثه، برخی با انتشار پیام‌هایی در شبکه‌های اجتماعی، گفته‌اند که این اظهارات نمایانگر تفکرات نژادپرستانه و ضد سیاهپوست مقامات ریاض است».

ایندپندنت با بیان اینکه این برای چندمین بار است که چنین وقایع مرگباری در جریان ایام حج به وقوع می‌پیوندد، گفت: «این حوادث در حالی صورت می‌گیرد که مقامات عربستان سعودی از دوربین‌های کنترل جمعیت استفاده می‌کنند».



✪ جعفر تکبیری

نزدیک به یک سال از فاجعه منا و شهادت هزاران نفر از مسلمانان کشورهای مختلف می‌گذرد اما آنچه که هنوز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد، دلایل وقوع این حادثه تلخ است. جایی که بار دیگر دلارهای سعودی وارد ماجرا شدند و در مقابل افشای دست‌های پشت پرده‌ای که این فجایع را رقم زده، ایستاده‌اند. این یک روال عادی برای حکام سعودی است که با تزریق دلارهای نفتی خود به رسانه‌های مختلف دنیا، نه تنها بر جنایات خود سرپوش بگذارند، بلکه با کمک همین رسانه‌ها نظر افکار عمومی را در خصوص اعمال خود تغییر دهند. مصداق بارز این موضوع جنایات سعودی‌ها در ماجرای یمن است که طی ۱۶ ماه گذشته عملاً ده‌ها هزار نفر از مردم بی‌دفاع یمن را به خاک و خون کشیده و تمامی زیرساخت‌های این کشور فقیر خاورمیانه را با خاک یکسان کرده است اما هیچ یک از رسانه‌های مهم دنیا یا به این جنایت نپرداخته یا اگر هم پرداخته حملات تلافی‌جویانه از تشریم مردمی یمن به مواضع سعودی‌ها را بر بسته کرده‌اند.

■ پنهان ماندن بی‌عرضگی حکام سعودی

آنچه در خصوص فاجعه منا بسیاری بر آن تأکید دارند، ضعف بزرگ حکام سعودی به عنوان دست‌اندرکاران برگزاری حج است. ضعفی که هر ساله باعث می‌شود تعدادی از حجاج کشورهای اسلامی بنا به دلایل مختلف اعم از تصادفات جاده‌ای، ابتلا به بیماری‌های مختلف، ازدحام و فشار در حین برگزاری مناسک و اخیراً سقوط اجسام سنگین نظیر جرثقیل جان‌خود را از دست بدهند، اما این ضعف و ناتوانی دولت عربستان برای میزبانی از مهمانان خانه خدا، بنا بر آنچه گفته شد، هیچ‌گاه در رسانه‌های جهانی بازتاب پیدا نکرده است. تنها سال گذشته بود که با وقوع حادثه تلخ منا و نیاز افکار عمومی به داشتن اطلاعات جدیدتر در این خصوص، روزنامه امریکایی وال استریت ژورنال در مقاله‌ای کوتاه به گوشه‌ای از ناتوانی حکام سعودی اشاره کرد و از اختلافات شدید در وزارت حج عربستان خبر داد. این روزنامه در مطلبی به قلم آسافیج، نوشت: «در درون عربستان سعودی درباره سیاست‌های اقتصادی شاه سلمان و جنگ یمن، درگیری‌های داخلی وجود دارد. اکنون با فاجعه حج انتقادهای داخلی نیز افزایش خواهد یافت».

این روزنامه در ادامه این مقاله نوشت: «البته حتی پیش از این فاجعه وزارت‌خانه اصلی مسئول برگزاری مناسک حج دچار به هم‌ریختگی شده بود. به گفته یک شخص مطلع، دست کم پنج تن از مقامات ارشد وزارت حج در چند ماه

پس از فاجعه بزرگ انسانی در منا، لابی‌های عربستان در سراسر جهان به سرعت فعال شدند و از رسانه‌ها خواستند تا از گمانه‌زنی و پرداختن به پشت پرده این وقایع صرف‌نظر کنند تا چهره عربستان سعودی در نزد افکار عمومی جهان مخدوش نشود.

گواه این ادعا انتشار مقاله‌ای در روزنامه نیویورک تایمز امریکا است که در ۱۵ شهریور ۹۳ (۶ سپتامبر) یک سال قبل از فاجعه منا مقاله‌ای را منتشر کرد و در آن از وجود کمک‌های مالی هنگفت به مؤسسات، اندیشکده‌ها و اتاق‌های فکر در واشنگتن، با هدف ایجاد سیاستی خاص در دولت امریکا خبر داد. در ست پس از این بود که مجلس ایالات متحده خواستار شفاف‌سازی میزان و منبع کمک‌های مالی دریافتی شده. بر همین اساس برخی از اندیشکده‌ها به ارائه آمار کمک‌های مالی دریافتی خود و برخی دیگر نیز تنها به انتشار نام منبع این کمک‌های مالی مبادرت کردند. در میان آمار و اطلاعات منتشر شده، کمک‌های قابل ملاحظه سفارت‌سازی میزان و منبع کمک‌های مالی دریافتی شده. بر اساس اطلاعات مندرج در این مقاله، لابی عربستان سعودی در امریکا و جبهه مختلفی دارد و شامل ارائه کمک‌های مالی به مؤسسات رسانه‌ای و افراد دارای سابقه حضور در دولت و مجلس نمایندگان یا سنا ایالات متحده می‌شود.

“

به رغم هزینه‌های کلان دولت سعودی برای سانسور رسانه‌ای این فاجعه تلخ، عمق این واقعه به حدی زیاد بود که رسانه‌های دنیاتوانستند به سادگی از کنار آن بگذرند و برخی مجبور به گزارش این حادثه شدند. اگرچه تنها چند روزنامه به صورت نصفه و نیمه از ضعف حکومت عربستان در اداره این مراسم دینی سخن به میان آوردند



پیش‌بینی سقوط جرثقیل ۱۰ ماه پیش از فاجعه!

حالا با سپری شدن یک سال از آن یک رسانه رسمی سعودی فاش کرد گزارشی سری درباره فاجعه سقوط جرثقیل در مسجدالحرام، چند ماه پیش از وقوع آن هشدار داده بود. این گزارش فاش کرده که وزارت دارایی سعودی حمایت مالی از استقرار جرثقیل را ۱۰ ماه پیش از سقوط آن متوقف کرده و خواستار برچیده شدن آن شده بود.



بازخوانی حوادث دهه اخیر در ایام حج؛ از کشتار تا کشته شدن حاجی‌ها!

این میراث قاتل الحجاج است

عربستان باشد. این فصل دوبار چنین اتفاقی افتاد، یکی سقوط جرثقیل و دیگری نیز حادثه منا. مقامات عربستانی می‌گویند این حادثه هنگامی رخ داده است که دو گروه از زائران که خلاف جهت حرکت می‌کردند در راهی باریک به هم برخورد کرده‌اند.

قدرت دیگر خاور میانه، ایران، سوءمدیریت سعودی‌ها را علت وقوع چنین حادثه‌ای می‌داند. ایران در خواست کرده که یک نهاد مستقل حج را بر نام‌ریزی و مدیریت کند، اما خانواده آل سعود هیچ‌گاه نمی‌خواهند این نقش‌شان را در کنار نفت که به آنها میان کشورهای اسلامی قدرت می‌دهد، از دست بدهند.

■ حوادث دیگر حج ۹۴

در کنار دو حادثه بزرگ منا و سقوط جرثقیل با بیش از ۷ هزار شهید چند حادثه با ابعاد کوچک‌تر هم در حج ۹۴ رخ داد. سقوط پنکه سقفی در صفا و مجروح شدن چهار نفر از زائران ایرانی و در حادثه‌ای دیگر ۲۰۴ نفر از حجاج به دلیل خرابی درهای قطار در مکه مکرمه، دچار حالت خفگی و بیهوشی شدند که در این رابطه کمیته امدادسانی شهری عربستان اعلام کرد حجاج در حال حرکت از مشعر عرفات به سمت مکه مکرمه بودند که به دلیل طولانی شدن مدت انتظار در پی خرابی درهای قطار، دچار حالت خفگی و بیهوشی شدند. همچنین با آتش‌سوزی در یکی از هتل‌های شهر مکه حدود هزار نفر از حجاج ساکن در این هتل که یکی از کشورهای آسیایی بودند سریعاً به بیرون از هتل هدایت شدند و شماری از مهمانان این هتل در جریان این حادثه مصدوم شدند.

■ زهرا چیدری

همه چیز آماده پذیرایی از زواری بود که حالا با مدال افتخار حاجی شدن بنا بود از حج باز گردند. خیلی از خانواده‌ها برای ولیمه حاجی‌شان حتی سالن رزو کرده بودند و مهمان‌های این بزم خدایی‌شان را هم دعوت کرده بودند. در عین حال اما همه دلشوره داشتند. حادثه سقوط جرثقیل و شهادت ۱۱۰ زائر و زخمی شدن ۴۰۰ زائر دیگر همه را نگران کرده بود. انگار همه آنها بی‌کی که حاجی داشتند و نداشتند احساس می‌کردند حج ۹۴ آستان حوادث و رویدادهای تلخی است؛ رویدادها و حوادث غیرمنتظره‌ای که طی دهه گذشته در ایام حج بارها سابقه داشته و با مرگ یا مصدومیت حجاج بیت‌الله الحرام همراه بوده است و با بازخوانی حوادث حج در طول یک دهه گذشته متوجه می‌شویم هزاران زائری که برای به جای آوردن حج ابراهیمی راهی سرزمین وحی شده بودند، در حوادث گوناگون و در سرزمین امن الهی جان خود را از دست داده‌اند و حکام سعودی به جای خدمتگزاری به حجاج بیت‌الله الحرام بنا به تعبیر رهبر انقلاب «گمراهانی روسیاهند که بقای خود را در هم‌پیمانی با صهیونیسم و امریکای داندند.»

حج ۹۴ هم تا قبل از روز عرفه از این قسم حوادث بی‌نصیب نمانده بود. حادثه سقوط جرثقیل ۲۱ تن از زوار ایرانی را هم در برابر خانه کعبه و در حرم امن الهی به خون کشیده بود. با وجود این اما فاجعه‌ای عظیم در راه بود. درست در لحظاتی که همه غرق در حال و هوای معنوی عرفه و عید قربان چشم انتظار خبری از حاجی‌ها بودند، فاجعه‌ای عظیم رخ داد.

■ مرگبارترین حج تاریخ

انکار و کوچک‌نمایی در کنار تلاش برای انداختن تقصیر حادثه منا به گردن حجاج دورویکردی بود که سعودی‌ها برای شانه‌خالی کردن از زیر بار مسئولان این فاجعه و پنهان کردن بی‌کفایتی‌هایشان اتخاذ کردند. این در حالی است که در همان ایام یک خبرگزاری جهانی در گزارشی فاش کرد تعداد شهدای فاجعه منا ۶۸۴ نفر بیشتر از آمار عربستان است. این رسانه حج سال گذشته را مرگبارترین حج تاریخ توصیف کرد.

یک افسر سابق «سیا» در این باره نوشته است: «ناتوانی سعودی در رسیدگی به حج، اعتبار و مشروعیت این کشور را میان همه کشورهای اسلامی تضعیف می‌کند. عربستان مدیریت مقدس‌ترین شهر اسلامی را برعهده دارد و هر حادثه‌ای در حج می‌تواند ضربه‌ای به پادشاهی

■ پیش‌بینی حادثه سقوط جرثقیل ۱۰ ماه قبل از موسم حج

نخستین حادثه حج سال قبل حادثه سقوط جرثقیل و شهادت و آسیب به ده‌ها زائر خانه خدا بود. حادثه‌ای که حالا با سپری شدن یک سال از آن یک رسانه رسمی سعودی فاش کرد گزارشی سری درباره فاجعه سقوط جرثقیل در مسجدالحرام، چند ماه پیش از وقوع آن هشدار داده بود. این گزارش فاش کرده که وزارت دارایی سعودی حمایت مالی از استقرار جرثقیل را ۱۰ ماه پیش از سقوط آن متوقف کرده و خواستار برچیده شدن آن شده بود، زیرا دیگر نیازی به این جرثقیل در آن مکان نبود و ادامه نصب آن بی‌فایده بود و باید منتقل می‌شد. با وجود این اما جرثقیل همانجا ماند و در موسم حج سقوط کرد تا فاجعه‌ای در مسجدالحرام رقم بخورد.

“

از مهم‌ترین حوادث رخ داده طی یک دهه گذشته کشتار حجاج ایرانی توسط نیروهای مسلح سعودی در سال ۱۳۶۶ بود که منجر به شهادت ۲۷۵ تن از هم‌وطنانمان شد. این کشتار در جریان تظاهرات برانته از مشرکین اتفاق افتاد. در این حادثه ۴۰۲ نفر از جمله ۲۷۵ ایرانی کشته و ۶۴۹ نفر از جمله ۳۰۳ ایرانی زخمی شدند. نیروهای امنیتی عربستان حتی بدون توجه به حرمت ماه‌های حرام و امن بودن حریم خانه خدا که حتی اعراب عصر جاهلیت هم به آن پابند بودند به سوی حجاج بی‌دفاع آتش گشوده است



www.javanonline.com

حاجیان لب تشنه شهید

ویژه حادثه منا

روزنامه جوان | شهریور ۱۳۹۵



سابقه حوادث منا

سال ۱۹۹۰ هم بر اثر ازدحام بسیار زیاد، هزار و ۴۲۶ تن از حجاج در یکی از تونل‌های منتهی به مسجدالحرام زیر دست و پا شهید شدند. این حادثه هم به عنوان یکی از حوادث بزرگ و دردناک حج شناخته می‌شود

“

کشتار حاجیان ایرانی در سال ۶۶ و حوادث گوناگونی مثل آتش‌سوزی و زیر دست و پا ماندن حاجیان در طی یک دوره ۹ ساله حدود ۲۵۰۰ نفر از حاجیان مسلمان را به شهادت رسانده است



■ **حوادث حج در دهه اخیر؛ از کشتار حجاج تا کشته شدن آنها**
حوادث تلخ حج سال گذشته نخستین حوادث حج نبود و با ادامه مدیریت سعودی‌ها بر حج به طور یقین این حوادث آخرین حوادث موسم حج ابراهیمی نخواهد بود.

طی سال‌های اخیر، اما حوادث متعددی رخ داده که منجر به مرگ و مصدومیت حجاج شده است. یکی از مهم‌ترین حوادث رخ داده طی یک دهه گذشته کشتار حجاج ایرانی توسط نیروهای امنیتی و مسلح سعودی در سال ۱۳۶۶ مصادف با ۱۹۸۷ بود که منجر به شهادت ۲۷۵ تن از هم‌وطنانمان شد و حرم امن الهی را ناامن کرد. این کشتار در جریان تظاهرات برائت از مشرکین اتفاق افتاد. در این حادثه ۴۰۲ نفر از جمله ۲۷۵ ایرانی شهید و ۶۴۹ نفر از جمله ۳۰۳ ایرانی زخمی شدند. در این حادثه عربستان ادعا کرده بود که خشونت از سوی کاروان حجاج ایرانی آغاز شده است، اما شمار بالای زنان ایرانی در میان قربانیان نشان می‌دهد که نیروهای امنیتی عربستان حتی بدون توجه به حرمت ماه‌های حرام و امن بودن حریم خانه خدا که حتی اعراب عصر جاهلیت هم به آن پایبند بودند به سوی حجاج بی‌دفاع آتش گشوده است. به دنبال این حادثه حضرت امام خمینی (ره) در واکنش به این اقدام وحشیانه برای سه سال حج را تحریم فرمودند.

سال ۱۹۹۰ هم بر اثر ازدحام بسیار زیاد، هزار و ۴۲۶ تن از حجاج در یکی از تونل‌های منتهی به مسجدالحرام زیر دست و پا شهید شدند. این حادثه هم به عنوان یکی از حوادث بزرگ و دردناک حج شناخته می‌شود.

سال ۱۹۹۴ یک بار دیگر شاهد شهادت ۲۷۰ نفر از حجاج به خاطر ازدحام جمعیت در پل جمرات بودیم. در ۱۹۹۷ هم آتش‌سوزی در خیمه‌های حجاج در منا موجب شهید شدن ۳۴۰ حاجی و مجروح شدن هزار و ۵۰۰ نفر در منا شد. در سال ۱۹۹۸ هم یک بار دیگر بر اثر حادثه ازدحام در هنگام رمی جمرات ۱۸۰ حاجی زیر دست و پا جان دادند. تکرار همین حادثه رادر سال ۲۰۰۴ شاهد بودیم. این بار ازدحام جمعیت در رمی جمرات ۲۵۱ نفر شهید و ۲۴۴ مجروح بر جای گذاشت. سال ۲۰۰۶ هم سال پر حادثه‌ای بود. این سال هم به دنبال ناتوانی آل سعود از مدیریت جمعیت ۳۶۳ نفر به خاطر ازدحام جمعیت در رمی جمرات شهید شدند. همچنین فرو ریختن هتلی کوچک در مکه موجب شهید شدن ۷۶ نفر از مهمانان آن شد. حجاج ساکن این هتل همه آسیایی بودند.

■ مدیریت جمعیت ۲۰ میلیونی اربعین

صرف‌نظر از حوادثی همچون آتش‌سوزی‌ها یا حادثه سال ۶۶ که کشتار عامدانه زوار ایرانی در مراسم برائت از مشرکین بوده طی ۳ دهه اخیر حدود ۹ هزار و ۵۰۰ نفر به دلیل ازدحام و ماندن زیر دست و پا شهید شده‌اند که به گفته سعید اوحدی رییس سازمان حج و زیارت بیش از ۷ هزار نفر از آنها در حج سال گذشته شهید شده‌اند. این در حالی است که طی سال‌های ذکر شده هرگز آمار حجاج به ۴ میلیون نفر هم نرسیده است و مراحل انجام حج دارای زمانبندی است. بر این اساس بدیهی است مدیریت ۲ تا ۳ میلیون زائر که در ایام حج در سرزمین وحی حضور می‌یابند امر چندان سختی نیست. در مقابل اجتماع مسلمانان در حج و حوادث تلخی که طی دهه گذشته اتفاق افتاده است، اجتماع عظیم اربعین حسینی را داریم که همه ساله جمعیتی بالغ بر ۲۰ میلیون نفر را برای زیارت اربعین راهی کربلای معلی کند. در حالی که به ظاهر امکانات کشور عربستان با امکانات کشور جنگ‌زده‌ای همچون عراق زمین تا آسمان فرق دارد با وجود این تاکنون حادثه‌ای در اجتماع اربعین حسینی با جمعیتی بالغ بر ۱۰ برابر اجتماع حج گزارش نشده است. این مسئله هم ناتوانی و بی‌کفایتی آل سعود از مدیریت حج را بیشتر به رخ می‌کشد، بی‌کفایتی که با تعمد آغشته است. ❀





ماموستا سید احمد سجادی، امام جمعه سروآباد:

وهابیون عربستان سعودی اسم خودشان را «خادم حرمین شریفین» گذاشتند، در حالی که این اسم برای آنها واقعیت ندارد. آنها مغرضانه کار می‌کنند و در این مکان مقدس کار شکنی می‌کنند. آنها صلاحیت این کار را ندارند. آنها با زائراتی که دین، ایمان به خدا و محبت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) در وجودشان شعله می‌کشد، رفتار خوبی ندارند. به نظر من اینها کسانی هستند که به ظاهر خدمت حرمین شریفین می‌کنند، ولی بر خلاف این شعار خودشان عمل می‌کنند.



علمای اهل سنت: سعودی صلاحیت ندارد

سویی با روی دادن اتفاق نیز مقامات سعودی انگیزه‌ای برای کمک به مصدومین و افتادگان نشان ندادند و عملاً بسیاری از حجاج در حالی قربانی شدند که اگر اندکی کمک‌رسانی وجود داشت، زنده می‌ماندند و بسیاری از مصدومین همراه با پیکر شهدا در کانتینرها روی هم ریخته شده و به شهدا پیوستند.

این بی‌تدبیری‌ها موجب اعتراض علمای اهل سنت ایران شد. عبدالکریم جاور، امام جمعه اهل سنت گنبد کاووس به عنوان یکی از شاهدان عینی فاجعه، سوءتدبیر و سوءمدیریت کارگزاران حج عربستان را از عوامل اصلی بروز این فاجعه دانسته و با بیان بخشی از مشاهدات خود از فاجعه منا در روز عید قربان، بسته شدن مسیر توسط تعداد زیادی ویلچر، فقدان آب، فشار بیش از حد جمعیت، گرمای هوا به همراه کمبود اکسیژن و نیز فقدان امداد رسانی بموقع و مؤثر را از عوامل بروز فاجعه منا و گسترش ابعاد آن ذکر کرد.

ماموستا ملاقدر قادری امام جمعه پاره هم در سخنانی می‌گوید: «با توجه به اینکه ماه ذی‌الحجه در کتاب و سنت حرام اعلام شده، اما باز هم عربستان توجهی به این امور ندارد و روزی ده‌ها نفر را در یمن می‌کشد، حفظ جان مسلمانان اصلاً

کبری آسوپار

عید قربان سال ۱۴۴۰ خبر ساعت ۱۴ شبکه اول سیما در ایران در حالی آغاز شد که خبری از دسته گل همیشگی روزهای عید در مقابل مجری نبود. او حتی تبریک هم نگفت. مردم همه متعجب بودند. از صبح خبرهای بدی برای مردم مسلمان جهان از منا رسیده بود؛ از دحام جمعیت در مسیر مراسم رمی جمرات، زیر دست و پاماندن حجاج، عطش، بی‌آبی، جلوگیری از کمک‌رسانی و در نهایت شهادت! و چون اخبار اینگونه آغاز شد، یعنی باید منتظر خبرهای بدتری هم می‌ماندیم. به نظر می‌رسید واقعا دیگر عیدی در عید قربان ۹۴ در کار نیست. شب پیام تسلیت ولی فقیه رسید؛ اعلام همدردی با عزاداران در سراسر جهان و اعلام سه روز عزای عمومی در ایران. هنوز خبری از تعداد دقیق شهدای ایرانی نبود؛ اما مردان و زنان زیادی آن شب به محل اقامتشان برنگشتند. دلهره خانواده‌ها بین شهادت و مصدومیت و سلامت عزیزانشان در کنار کار شکنی سعودی‌ها موج می‌زد. در نهایت چند روز بعد تعداد کل قربانیان ایرانی حادثه اعلام شد؛ ۴۶۴ نفر. خبری که گوینده شبکه خبر هنگام قرائت آن نتوانست اندوهش را کنترل کند و مقابل دوربین زنده تلویزیونی بغضش شکست. انگار که نمادی از شکستن بغض مردم ایران باشد.

“

اگر مدیریت درست صورت می‌پذیرفت و بستن مسیرها به نحوی که راهی برای گریز از ازدحام نداشته باشند، ازدحام به شکلی که حجاج در جمعیت‌های صدنفری روی هم بیفتند رخ نمی‌داد. یکی از ایرانیان حاضر در منا می‌گوید که کاملاً وضعیت غیرعادی محسوس بوده و به هم خوردن حال حجاج از ازدحام، ترافیک، نبود آب آشامیدنی و بسته‌بودن راه‌های خروجی خیابان به سمت جمرات شرایط ایجاد مرگ حجاج را رقم زد.

ادعا می‌شود حادثه منا تعمدی نبود، اما کسی نیست که نداند اگر مدیریت درست نقل و انتقال حجاج صورت می‌پذیرفت و بستن مسیرها به نحوی که راهی برای گریز از ازدحام نداشته باشند، ازدحام به شکلی که حجاج در جمعیت‌های صدنفری روی هم بیفتند رخ نمی‌داد. یکی از ایرانیان حاضر در منا می‌گوید که کاملاً وضعیت غیرعادی محسوس بوده و به هم خوردن حال حجاج از ازدحام، ترافیک، نبود آب آشامیدنی و بسته‌بودن راه‌های خروجی خیابان به سمت جمرات شرایط ایجاد مرگ حجاج را رقم زد.

آمارهای متفاوت با اختلافات فاحش از کل قربانیان حادثه منا منتشر شد، اما رقمی بین ۷ تا ۸ هزار نفر آمار می‌دهد که می‌تواند صحیح باشد. حدود ۷۵ درصد این شهدا را اهل سنت تشکیل می‌دهد. علمای اهل سنت ایران علیه این فاجعه شکایات زیادی کردند، آن هم خطاب به دولتی که مدعی رهبری اهل سنت و حتی مدعی رهبری جهان اسلام است. از ایران در مراسم حج سال ۹۴، حدود ۶۴ هزار نفر حضور داشتند که از این میان ۵ هزار نفر ایرانیان اهل سنت بودند که ۷۸ نفر آنان در فاجعه منا به شهادت رسیدند.



مولوی عبدالحمید امام جمعه زاهدان:

«زائرانی که به مکه می‌روند، مهمان خدا و رسول خدا هستند و همچنین مهمان کشور عربستان سعودی محسوب می‌شوند؛ بنابراین این سعودی‌ها در مقابل این مهمان‌ها مسئولیت دارند. مسئولان و مقامات عربستان سعودی مسئولیت حفاظت از حجاج و تأمین آسایش و امنیت آنها را بر عهده دارند.»



خودشان عمل می‌کنند.»

ماموستا سجادی خواستار تشکیل جبهه‌ای برای راهبری مراسم حج از سوی تمام نمایندگان مسلمانان شد: «حرمین شریفین تنها مختص به عربستان سعودی نیست، بلکه برای همه مسلمانان است. باید همه مسلمانان در حرمین شریفین شریک باشند. باید در سطوح جهان و در میان مسلمانان شکل و جبهه‌ای تشکیل شود و در این رابطه همه سهیم باشند، به نظر بنده عربستان سعودی امروز این صلاحیت را ندارد.»

ماموستا مصطفی شیرزادی، امام جمعه مریوان حادثه منا را نتیجه ناکارآمد بودن مدیریت حج می‌داند. او می‌گوید: «وقتی دولت عربستان اجازه ورود این تعداد حجاج را به کشور خود می‌دهد، باید ضمن ایجاد بسترهای مناسب امنیت آنان را به بهترین شیوه ممکن تعیین کند. مدیریت حج عربستان باید در رفتار و اعمال رفتارهای خود بازبینی جدی و صریحی داشته باشد تا از روی دادن این چنین حوادثی در سال‌های آتی جلوگیری به عمل آید.»

■ سرگرمی به کشتار مسلمانان در یمن؛ غفلت از مدیریت حج

سال ۹۴ سال آغاز جنگ عربستان با مسلمانان یمن بود. بیراه نیست پس از چند حادثه در مراسم حج، ذهن‌ها متوجه این موضوع شود که آل سعود با درگیری در منطقه، از مدیریت حج غفلت کرده است.

ماموستا یحیی اسماعیلی، امام جمعه موقت مهاباد می‌گوید: «اگر تاریخ حج را مقایسه و بررسی کنیم، مشاهده می‌کنیم که هیچ سالی به اندازه امسال، فاجعه و کشتار در عربستان به وقوع نپیوسته است. با توجه به اینکه هم‌اکنون

برای سعودی‌ها مهم نیست؛ حال انتظار دارید برای مرگ زائران غصه بخورند؟ خیر!»

مولوی عبدالحمید، امام جمعه اهل سنت زاهدان نیز در جریان مصاحبه‌ای با اشاره به فاجعه منا می‌گوید: «زائرانی که به مکه می‌روند، مهمان خدا و رسول خدا هستند و همچنین مهمان کشور عربستان سعودی محسوب می‌شوند؛ بنابراین سعودی‌ها در مقابل این مهمان‌ها مسئولیت دارند. مسئولان و مقامات عربستان سعودی مسئولیت حفاظت از حجاج و تأمین آسایش و امنیت آنها را بر عهده دارند.»

■ بی‌لیاقتی آل سعود برای خادمی حجاج

فاجعه منا یک بار دیگر به شکلی جدی تر اذهان را با این سؤال مواجه کرد که آیا این حکومت که رهبری به درستی آنها را «جاهلی‌های دوران امروز» نامیدند، شایستگی پذیرایی از ضیوف الرحمن را دارند؟ سؤالی که با توجه به همه اتفاقات روی داده در حج از سال‌های قبل تاکنون جواب روشنی یافته بود.

ماموستا سیداحمد سجادی، امام جمعه سروآباد

۶۶

فاجعه منا یک بار دیگر به شکلی جدی تر اذهان را با این سؤال مواجه کرد که آیا این حکومت که رهبری به درستی آنها را «جاهلی‌های دوران امروز» نامیدند، شایستگی پذیرایی از ضیوف الرحمن را دارند؟ سؤالی که با توجه به همه اتفاقات روی داده در حج از سال‌های قبل تاکنون جواب روشنی یافته بود



دولت آل سعود در حال جنگ با یمن است پس این خود سبب کم‌توجهی دولت عربستان به امور حجاج شده و سبب رخ دادن حوادث تأسف بار در این کشور شده است.»

او با تأکید بر بی‌لیاقتی پادشاه عربستان در حوادث منا تصریح می‌کند با وجود اینکه دولت آل سعود می‌داند مسیر عبور زائران در منا حساس و تنگ است، با این حال مدیریت چندانی در این محل انجام نداده که این خود سبب قربانی شدن انسان‌های بی‌گناه شد.

هم‌همراه با کنایه به آل سعود می‌گوید: «وهابیون عربستان سعودی اسم خودشان را «خادم حرمین شریفین» گذاشتند، در حالی که این اسم برای آنها واقعیت ندارد. آنها مغرضانه کار می‌کنند و در این مکان مقدس کارشکنی می‌کنند. آنها صلاحیت این کار را ندارند. آنها با زائرانی که دین، ایمان به خدا و محبت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) در وجودشان شعله می‌کشد، رفتار خوبی ندارند. به نظر من اینها کسانی هستند که به ظاهر خدمت حرمین شریفین می‌کنند، ولی بر خلاف این شعار



▲ ماموستا سید احمد سجادی امام جمعه سروآباد



▲ ماموستا عمر مندی امام جمعه پیرانشهر



▲ ماموستا مصطفی شیرازی امام جمعه مریوان



▲ ماموستا ملا قادر قادری امام جمعه پاهو

کارشکنی‌های دولت عربستان در مورد همکاری با مقامات ایرانی برای بازگرداندن پیکر قربانیان موجب تهدید شدید آل‌لحن عربستان سعودی توسط رهبر انقلاب اسلامی شد. برخی کوشیدند این تهدید را به اختلافات دامنه‌دار ایران و عربستان به عنوان دو قطب شیعه و سنی در جهان اسلام مرتبط کنند

ماموستا عمر مندی، امام جمعه موقت پیرانشهر هم می‌گوید: «خداوند متعال در سوره مبارکه انفال فرمود، کسانی باید سرپرستی حرمین شریفین را به عهده بگیرند که دارای تقوای الهی باشند. دولت آل سعود باید به جای حمله به یمن و کشتار مردم بی‌گناه این کشور، مدیریت مناسبی نسبت به زوار مسلمان در انجام مراسم‌های حج داشته باشد اما متأسفانه بی‌کفایتی و سوءمدیریت آنها سبب جان دادن هزاران لبیک‌گوی الهی شد. متأسفانه پیش از این نیز سقوط جرثقیل در بیت‌الله الحرام سبب استرس و دلهره بین حجاج و کشته شدن عده‌ای از زائران بی‌گناه شده بود.» او تأکید می‌کند که «تصمیم‌گیری، رهبری و مدیریت زائران حج عمره و تمتع باید به دست کشورهای اسلامی و نه وهابی‌ها باشد.»

■ جدال شیعه و سنی در میان نیست

کارشکنی‌های دولت عربستان در مورد همکاری با مقامات ایرانی برای بازگرداندن پیکر قربانیان و رسیدگی به وضعیت مصدومین موجب تهدید شدید آل‌لحن عربستان سعودی از سوی رهبر انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای شد. برخی کوشیدند این تهدید را که اول بار با چنین لحنی از سوی رهبر ایران بیان می‌شد، به اختلافات دامنه‌دار ایران و عربستان به عنوان دو قطب شیعه و سنی در جهان اسلام مرتبط کنند. در صفحه‌ای یکی پدیای مربوط به فاجعه منای سال ۹۴ آمده که: «این حادثه منجر به برآشفستگی طایفه‌ای بین دو دشمن منطقه «عربستان سنی» و «ایران شیعه» شد که یکی از دلایل اساسی این برآشفستگی روابط، ناآرامی‌های خاورمیانه مانند جنگ داخلی سوریه و جنگ داخلی یمن بوده است.» برآشفستگی طایفه‌ای، جنگ مذهبی یا هر چیزی شبیه آن یقیناً در مواضع آیت‌الله خامنه‌ای قرینه‌ای نداشت، چه آنکه ایشان تأکید کرده بود که «ما تا حالا خویشتن‌داری کردیم... ما رعایت ادب اسلامی، رعایت حرمت برادری در امت اسلامی را نگه داشتیم...» ایرانی‌ها، اعم از شیعه و سنی، با هم به حج رفتند. با هم در فاجعه منا جان دادند. با هم عزادار همه شهدای ایرانی، اعم از شیعه و سنی بودند. با هم به آل سعود اعتراض کردند، با هم پشت تهدید نظامی عربستان از سوی رهبر انقلاب ایستادند و با هم بی‌لیاقتی آل سعود برای خادم حرمین شریفین بودن را فریاد کردند. ♦

اختلافات وسیع درونی سعودی!

هم اکنون بین ولیعهد اول و ولیعهد دوم اختلاف وسیعی وجود دارد و در کنار این جهت گیری های سیاسی آن ها نیز با توجه به تخصص و نحوه اعمال حکومت آنان تغییر می کند. ولیعهد اول به دنبال کنترل مسائل داخلی کشور است که شامل مسائل امنیتی می شود، اما ولیعهد دوم محمد بن سلمان که فرزند کنونی پادشاه و وزیر دفاع دولت سعودی است، به دنبال کسب جایگاه بین المللی در نیل به اهداف خود است و با این روش عملاً خیلی از سیاست های ولیعهد اول را متعارض با سیاست های خودش می داند.



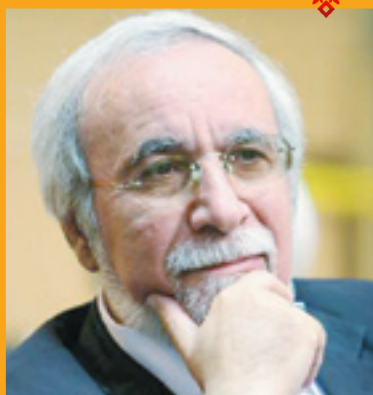
۱۲

نقش شاهزاده هادر فاجعه منادر گفت و گوی «جوان» با صبح زنگنه دیپلمات سابق وزارت خارجه

شاهزاده ها حاجیان ما را کشتند چون سرگرم رقابت بودند

مهدی پور صفا

یک سال از واقعه منا و شهادت حجاج ایرانی گذشته و ابعاد این فاجعه بزرگ هنوز ناشناخته مانده است. همزمانی این اتفاق با حمله عربستان به یمن و تغییرات ساختاری در مدیریت زیر مجموعه عربستان سبب شد تا ارتباط این وقایع را با فاجعه منا با صبح زنگنه کارشناس مسائل خاورمیانه و از دیپلمات های سابق وزارت امور خارجه در میان بگذاریم.



“

عربستان سعودی بعد از روی کار آمدن دولت جدید در دنیایی از مشکلات غرق شد. به عنوان مثال ملاحظه می کنیم در موضوع یمن مجبور شدند با عقب نشینی هایی رویه خودشان را تغییر بدهند طبعاً عقب نشینی هایی که ناشی از مقاومت مردم یمن است و این چیزی است که جانشین ولیعهد یعنی محمد بن سلمان به هیچ عنوان انتظار آن را نداشت

دو گانه است.

فکر می کنم این سیاست ها مشکلات عربستان را نه تنها حل بلکه بیشتر هم کرده است.

عربستان سعودی بعد از روی کار آمدن دولت جدید در دنیایی از مشکلات غرق شد. به عنوان مثال ملاحظه می کنیم در موضوع یمن مجبور شدند با عقب نشینی هایی رویه خودشان را تغییر بدهند طبعاً عقب نشینی هایی که ناشی از مقاومت مردم یمن است و این چیزی است که جانشین ولیعهد یعنی محمد بن سلمان به هیچ عنوان انتظار آن را نداشت. سید حسن نصرالله در یکی از سخنان خود بر این نکته تأکید کردند که امروز ملتی مظلوم تر از ملت یمن وجود ندارد چرا که با سنگین ترین سلاح ها بمباران می شوند، اما امکان هیچ گونه دفاعی از خود ندارند. همین مسئله را می توان به وضوح در بحرین هم مشاهده کرد.

اگر اجازه دهید به سراغ رویکرد ضد ایرانی دولت جدید سعودی به خصوص بعد از روی کار آمدن ملک سلمان در این کشور برویم. گویا سعودی ها هیچ انگیزه ای برای رسیدن به توافق با ایران ندارند؟

اتخاذ سیاست های تندتر و خشن تر به منظور پر کردن فاصله جایگاه منطقه ای عربستان با جایگاه بالنده جمهوری اسلامی ایران بود. با تغییرات رخ داده پس از مرگ پادشاه سعودی، ولیعهد دوم پیشتر اتخاذ این سیاست ها شد و این سیاست ها طبعاً هم در داخل جواب نخواهد داد و هم در خارج. همانطور که ملاحظه کردید، به بن بست خورده است. در مورد یمن ماه به ماه و هفته به هفته شاهد هزینه های بیشتر عربستان، ضررهای بیشتر هم برای خودش و هم برای مردم یمن و همچنین عقب نشینی سیاسی هستیم. برای اینکه بتوانید فاجعه سقوط جایگاه عربستان در عرصه سیاست خارجی این کشور را درک کنید، این نکته را در نظر بگیرید که زمانی عربستان مدعی حل



شاه تعیین شدند.

این اختلاف در بین شاهزاده هایی که در حکومت فعلی بر سر کار هم هستند، نیز به چشم می خورد؟

بله. ببینید هم اکنون بین ولیعهد اول و ولیعهد دوم اختلاف وسیعی وجود دارد و در کنار این جهت گیری های سیاسی آن ها نیز با توجه به تخصص و نحوه اعمال حکومت آنان تغییر می کند. ولیعهد اول به دنبال کنترل مسائل داخلی کشور است که شامل مسائل امنیتی می شود، اما ولیعهد دوم محمد بن سلمان که فرزند کنونی پادشاه و وزیر دفاع دولت سعودی است، به دنبال کسب جایگاه بین المللی در نیل به اهداف خود است و با این روش عملاً خیلی از سیاست های ولیعهد اول را متعارض با سیاست های خودش می داند. همین تعارض بین دو ولیعهد موجب اعمال سیاست های تندی در خارج از مرزهای سعودی شده است. از جمله مسائلی که محمد بن سلمان برای سعودی ها ایجاد کرده، جنگ یمن است! اتفاقاتی که

آقای زنگنه با توجه به جنبه های مختلف موضوع درگذشت امیر عبدالله و روی کار آمدن ملک سلمان چه شرایطی در سیاست داخلی سعودی ها ایجاد کرد؟

به دلیل تغییر سیاست ها و برخی از روش های اعمالی در عربستان سیاست ها نسبت به دوره های قبلی دچار تغییرات ماهوی شده است. اولین رویه ای که دچار تغییر شده نحوه تعیین مسئولان در جه اول سعودی نظیر انتخاب یا تعیین مسئولان کشور از جمله پادشاه و ولیعهد اول، ولیعهد دوم است. همان طور که می دانید در پادشاهی سعودی سلطنت از فرزندان عبدالعزیز و از برادری به برادر دیگر منتقل می شود. طبعاً این روش باعث کنار گذاشته شدن باقی اعضای خانواده سلطنتی سعودی می شود، چرا که هم اکنون نیز تعدادی از شاهزاده های فرزندان عبدالعزیز کنار گذاشته شدند که از جمله آن ها می توان به بندر بن سلطان اشاره کرد. ثانیاً فرزندان ملکه دوم عبدالعزیز براساس سن، تجربه و سابقه انتخاب نشدند بلکه براساس تمایلات

“

عربستان سعودی بعد از روی کار آمدن دولت جدید در دنیایی از مشکلات غرق شد. به عنوان مثال ملاحظه می کنیم در موضوع یمن مجبور شدند با عقب نشینی هایی رویه خودشان را تغییر بدهند طبعاً عقب نشینی هایی که ناشی از مقاومت مردم یمن است و این چیزی است که جانشین ولیعهد یعنی محمد بن سلمان به هیچ عنوان انتظار آن را نداشت



بن بست اتخاذ سیاست‌های تند و خشن

اتخاذ سیاست‌های تند تر و خشن تر به منظور پر کردن فاصله جایگاه منطقه‌ای عربستان با جایگاه بالنده جمهوری اسلامی ایران است. با تغییرات رخ داده پس از مرگ پادشاه سعودی، ولیعهد دوم پیش‌تاز اتخاذ این سیاست‌ها شد و این سیاست‌ها طبعاً هم در داخل جواب نخواهد داد و هم در خارج. در مورد یمن ماه به ماه و هفته به هفته شاهد هزینه‌های بیشتر عربستان، ضررهای بیشتر هم برای خودش و هم برای مردم یمن و همچنین عقب‌نشینی سیاسی هستیم.



و فصل همه مسائل یمن بود و بدون نظر عربستان کشورهای همسایه دیگر حق تحرک هم نداشتند اما تمام این اقتدار به دلیل مقاومت و جایگاه قدرتمند ایران در عرصه منطقه‌ای به باد رفته است. در آخرین اجلاسی که با حضور وزیر خارجه آمریکا تشکیل شد، موضوع اصلی به رسمیت شناختن انصارالله و نیروهای مقاومت یمنی و همچنین همزمانی تحقق راه‌حل‌های سیاسی و نظامی در یمن است تا بلکه درخواست عدم تعرض به داخل خاک سعودی از سوی یمنی‌ها به رسمیت شناخته شود. همین مسئله خود مرحله جدیدی را نشان می‌دهد و حتی در تصور سعودی‌ها نمی‌گنجید که روزی برسد که یمنی‌ها به جای تسلیم شدن بعد از ۱/۵ سال از بمباران مستمر و محاصره هوایی، زمینی و دریایی، یمنی‌ها بتوانند به مراکز نظامی و اقتصادی عربستان حمله و عربستان را وادار کنند از دولت امریکا و سایر دولت‌ها کمک بخواهد تا

مدیریت حج موضوعی است که هم جنبه داخلی در عربستان دارد و هم جنبه بین‌المللی اسلامی و هم در سطح جهان، به هر اندازه عربستان متوجه درگیر شدن در پرونده‌های خارج از مرز عربستان شده است، شاهد افت کردن کیفیت خدمات و سرویس‌هایی است که باید به حجاج بدهد و نظارت بر روند مراسم حج و تسهیل اعمال حج و رسیدگی به آن می‌شود. طبعاً وقتی ذهن مسئولان بیشتر معطوف به پرونده‌های عراق، سوریه، لبنان، یمن و اماکن دیگری باشد تمرکز لازم و قدرت مدیریت لازم را در داخل نخواهند داشت و حوادث فجیع و دردناکی مانند آنچه هم در مکه و سقوط جرثقیل و شهادت حاجیان در وسط مطاف و هم در حوادثی که در منا و بین مشائر مقدسه اتفاق افتاده است نمونه‌ای از این ضعف مدیریت و عدم تمرکز در این مسائل را نشان می‌دهد. حتی در بررسی پرونده

“

شاید دقیق‌تر آن است که بگوییم درگیر شدن در مسائل متعدد ذهن همه مسئولان چه گروه‌هایی که موافق این بافت فعلی حکومت یا مخالفان آنها را به سمت دیگری می‌کشند و طبعاً به لحاظ مدیریت مسائل و برخورد دقیق و علمی و منضبط با قضا یا با شدت ضعیف می‌شود و یک سوءمدیریت و بی‌توجهی به جان انسان‌ها و حاجی‌ها به یک فاجعه می‌انجامد

شود و تذکره‌هایی که قبلاً داده شده بود و پاسخ‌هایی که دریافت شد، طرح‌های اصلاح مسیرها که هر سال باید ارائه شود همه اینها زیر ذره‌بین مطالعه در دست و دقتی قرار بگیرد. از طرف دیگر ضعف و سوءمدیریت در حدی که در بعضی از مسائل که یک اقدام تعمداً می‌توانی تلقی شود که در مجموع به افزایش تعداد قربانیان منجر شده باشد، هم در خود عربستان حتی دادگاه‌های عربستان یا در مجامع و محافل بین‌المللی به عنوان کشوری که مسئول حفظ جان میلیون‌ها انسان که در یک مراسم مقدس و مشخص که مبدأ و انتهای آن مشخص است و نتوانسته سرویس مناسب را ارائه کند، قابل پیگیری است. این مسائل به هر دلیلی اتفاق افتاده باشد، به دلیل ضعف، اختلاف و سوءمدیریت، به دلیل تعویض افراد و مدیران، حذف برخی سازمان‌ها و سوءاستفاده‌های مالی که در این مسیر اتفاق افتاد و نهایتاً منجر به این فجایع شد همه در دادگاه‌های بین‌المللی قابل طرح است و دولت به هیچ عنوان نباید از پیگیری آن کوتاه بیاورد و عربستان ممکن است برخی از کشورها را با پول و ارائه برخی وعده‌ها ساکت کند، اما نباید این مسئله گریبان ما را بگیرد.

آقای زنگنه حج برای ما متوقف شد. فکر می‌کنید مهم‌ترین روش برای اینکس ما به تجمع جهانی مسلمانان بازگردیم چیست؟ فکر نمی‌کنم بر اساس اصول بین‌المللی هم عربستان بتواند حجاج ایرانی را از حج محروم کند.

در دو مرحله باید کار انجام شود، یکی محاسبه و مؤاخذه افرادی که در این ضعف‌ها و سوءمدیریت‌ها نقش داشتند و مجازات‌هایی که بر آنها مترتب است به عنوان یک سلسله حوادثی که در سال گذشته اتفاق افتاد و دیگری نسبت به مسئولیت مستمر دولت فعلی عربستان بر رعایت و عنایت به امور حاجیان و زائران در مکه و مدینه است و زیر سؤال بردن این ادعا و دعوت برای اقدام بین‌المللی چه در بعد اسلامی و چه در بعد جهانی به عنوان بعدی از ابعاد آشکار حقوق انسان‌ها و حقوق پیروان ادیان در تأمین امنیت و سلامت آنهاست. بنابراین یک بعد بحث مجازات و محاسبه اقداماتی است که تاکنون انجام شده است و با استناد به تاریخ عملکرد دولت‌های آل سعود اقدام جهت زیر سؤال بردن مدیریت آنها و ادعای آنها در خدمت به حریم شریفین ممکن است این مسئله هم چندان قابل طرح نباشد، اما در صورت به راه افتادن موج جهانی می‌توان انتظار داشت که بقیه کشورهای مسلمان با ما همراهی کنند.

شاید یکی از اقدامات و پیشنهادهایی که می‌شود مطرح کرد، برگزاری مراسم، سمینارها و میزگردها در نقاط مختلف جهان باشد به خصوص جاهایی که از نظر جمعیتی تراکم بیشتری دارند مثلاً در هند، پاکستان، بنگلادش، ترکیه، اندونزی، کشورهای آفریقایی و حتی اروپا و آمریکا یا چین و روسیه در مراکز اسلامی این کشورها باید دست به یک سلسله‌ای از اقدامات نمایشگاه، سمینار، میزگرد و مذاکرات بزنیم. نباید از این موضوع به سادگی عبور کنیم و از طرف دیگر استفاده از ابزار و وسایل ارتباط جمعی اعم از سایت‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای است تا بتوانیم صدای مظلومیت حجاج ایرانی را در منا به گوش سایر مسلمانان دنیا برسانیم. *



شد که گوشه‌ای از اوضاع پریشان مدیریت سعودی را نشان می‌دهد.

برای پیگیری بحث اتفاقاتی که در منا رخ داده است دولت و نهادهای مسئول چگونه باید عمل کنند؟

باید همه مسائل، مستندسازی شود، ابعاد مختلف وقایعی که اتفاق افتاد چه در مکه مکرمه، چه در منا و چه در مسیر بین مشائر همه باید مستندسازی

“

باید همه مسائل، مستندسازی شود، ابعاد مختلف وقایعی که اتفاق افتاد چه در مکه مکرمه، چه در منا و چه در مسیر بین مشائر همه باید مستندسازی شود و تذکره‌هایی که قبلاً داده شده بود و پاسخ‌هایی که دریافت شد، طرح‌های اصلاح مسیرها که هر سال باید ارائه شود همه اینها زیر ذره‌بین مطالعه در دست و دقتی قرار بگیرد

سقوط جرثقیل در نزدیکی خانه خدا شاهد هستیم که درگیری اصلی بر سر پروژه‌ای است که رقابت سنگینی بین شرکت بن لادن و پسر پادشاه عربستان در جریان است و همین مسئله سبب شد تا حادثه سقوط جرثقیل رخ دهد.

شما فکر می‌کنید می‌توانیم بحث خرابکاری را بر اساس رقابت‌های داخلی در روند برگزاری حج به عنوان یک گزینه جدی مدنظر قرار دهیم.

شاید دقیق‌تر آن است که بگوییم درگیر شدن در مسائل متعدد ذهن همه مسئولان چه گروه‌هایی که موافق این بافت فعلی حکومت یا مخالفان آنها را به سمت دیگری می‌کشند و طبعاً به لحاظ مدیریت مسائل و برخورد دقیق و علمی و منضبط با قضا یا با شدت ضعیف می‌شود و یک سوءمدیریت و بی‌توجهی به جان انسان‌ها و حاجی‌ها به یک فاجعه می‌انجامد. در ماه‌های پس از واقعه منازیم ما به وضوح شاهد این قضیه بودیم که افشاگری‌های فراوانی درباره نحوه مدیریت حج و بی‌کفایتی موجود انجام

اوضاع یمن را بتواند کنترل کند. در داخل خاندان سعودی طبعاً همین اختلافات در حال اوج‌گیری است به این معنا که موضوع یمن تا یک زمانی پیش از بر سر کار آمدن سلمان عمدتاً در اختیار محمد بن نایف بود و اکنون کار به دست محمد بن سلمان افتاده و شیوه مدیریت این پرونده که منجر به شکست‌های مکرر و متوالی شده است طبعاً سروصدای معترضان به این سیاست در داخل خاندان سلطنتی هم افزایش پیدا کرده است.

این اعتراضات نمی‌تواند در ساختار داخلی و همچنین نحوه مدیریت یک کشور بی‌تأثیر باشد. هم‌اکنون رژیم سعودی خود دچار بحران همه‌جانبه اقتصادی است که تا حد زیادی از این سیاست نامتعادل نشئت می‌گیرد.

تأثیر کلی این مسئله را روی واقعه منا و مدیریت حج چه می‌دانید؟ آیا می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که همین عجز سعودی‌ها در مقابل ایران در پرونده‌های گوناگون سبب شده است تا به نوعی شاهد انتقام‌گیری سعودی‌ها از ایران بر سر این مسئله باشیم؟

اگر آقا پیگیری نمی شدند...

اگر حضرت آقا پیگیری نمی کردند عربستان حتی یک پیکر هم تحویل مأمی داد، این حرف من نیست خود مسئولان حج و زیارت این حرف را زده اند. آقای روحانی که رئیس جمهور ماهرستند نهایتاً یک روز سفرشان را کوتاه کردند و برگشتند، این یک روز چه تأثیری دارد؟ در روز استقبال از شهدا در فرودگاه که من هم حضور داشتم، رئیس جمهور جمله ای گفت خیلی ناراحت شدم و آن جمله به نفع عربستان تمام شد.

گفت و گو با فرزند شهید مناجات الاسلام اخوان که برای پیگیری وضعیت پدر به عربستان سفر کرد

۲۰ هزار قبر آماده در منا دیدم!

✻ محمد صادق عابدینی

شهید حجت الاسلام محمد صادق اخوان آخرین شهید فاجعه منا بود که شناسایی و پیکرش به ایران بازگردانده شد. محمد جواد اخوان، فرزند شهید حجت الاسلام محمد صادق اخوان از فعالان رسانه ای است که بعد از فاجعه منا با تشکیل انجمنی با حضور بازماندگان این فاجعه، در حال پیگیری حقوقی و مسئله محکومیت آل سعود است. اخوان در گفت و گو با «جوان» درباره مشاهدات خود از فضای منا بعد از فاجعه، عملکرد ضعیف وزارت امور خارجه و آنچه بر سر پیکر شهدا آمده است، سخن گفته است.



رشوه ای است که آل سعود پرداخت کرد. اینجا صحبت از دولت ها نیست، بالاخره در یک فاجعه بیش از ۷ هزار نفر شهید شده اند، چرا رسانه های دنیا به این فاجعه توجه نکرد؟ رسانه های کشور خودمان را مستثنی کنیم ولی رسانه های دنیا چرا به این اتفاق توجهی نداشتند؟ این ۷ هزار نفر در هر کجای دنیا کشته می شدند رسانه ها به آن توجه می کردند، زیرا یک موضوع انسانی پیش آمده بود. سعودی ها به رسانه ها رشوه دادند، رشوه های سیاسی که خیلی از دولت ها و قدرت ها ذی نفع بودند مثل دولت های عربی منطقه که به طور مشخص مصر، نیجریه و مراکش سکوت کردند. اتفاقاً با سکوتشان متضرر شدند زیرا زمانی که ما در عربستان بودیم بسیاری از کشته های آن کشورها هنوز مفقود الاثر بودند و تعیین تکلیف نشده بودند، احتمال می دهم که تا همین امروز هم بسیاری از افراد هنوز هم مفقود الاثر باقی مانده باشند. کشور ما پرونده مفقود الاثرها را بسته و می دانیم که آن افراد دیگر در قید حیات نیستند.

حالا که تکلیف پیکرها مشخص شده است، یک موضوع اساسی باقی می ماند و آن محکومیت آل سعود است. دولت در این زمینه چه اقداماتی کرده و شما به عنوان خانواده شهدای مناجه کارهایی را صورت داده اید؟

طبیعتاً در این بحث وظیفه اولاً با دولت است. گروهی از اتباع کشور در یک سفر دولتی که مدیریت آن با دولت بوده است به شهادت رسیده اند و وظیفه پیگیری آن با دولت است. تا امروز تحقیقات مفصلی کرده ایم و متأسفانه نهاد اصلی مسئول پیگیری این فاجعه یعنی وزارت امور خارجه و معاونت کنسولی هیچ کار خاصی نکرده اند و توجیهشان این است که روابط ما با عربستان قطع است. این توجیه منطقی نیست اینکه روابط ما با عربستان قطع است دلیلی نمی شود که حقوق اتباع ایرانی نادیده گرفته شود کما اینکه بیش از ۳۰ سال است که رابطه ما با امریکا قطع است ولی در ماجرای مثل حمله به هواپیمای ایرباس، مسائل حقوقی آن پیگیری شد. مطلب بعدی اینکه باید حداقل تلاشی از سوی وزارت امور خارجه انجام شود و بعداً اگر به نتیجه نرسید ما بگویم خب آنها کاری که از دستشان بر می آمده را انجام داده اند ولی واقعیت این است که هیچ کاری نکرده اند. ما ابزارهای فشار منطقه ای و حقوق بشری داریم که از سوی نهادهای بین المللی و سمن ها افکار عمومی را درباره این حادثه جلب و حساس کنیم. ما به عنوان خانواده شهدا به این نتیجه رسیدیم که وزارت امور خارجه با این نگاهش قائل به موضوع نیست و باید خودمان کاری را انجام دهیم که در حال انجامش هم هستیم. منتها این زبنده دولت نیست که از مسئولیت خودش شانه خالی کند و ۵۰۰ خانواده ایرانی مجبور شوند خودشان حقوق خودشان را پیگیری کنند و تاجایی که بتوانند در محکومیت آل سعود فعالیت کنند. ✻

یک پیکر هم تحویل مأمی داد، این حرف من نیست خود مسئولان حج و زیارت این حرف را زده اند. آقای روحانی که رئیس جمهور ما هستند نهایتاً یک روز سفرشان را کوتاه کردند و برگشتند، این یک روز چه تأثیری دارد؟ در روز استقبال از شهدا در فرودگاه که من هم حضور داشتم، رئیس جمهور جمله ای گفت خیلی ناراحت شدم و آن جمله به نفع عربستان تمام شد.

چه جمله ای؟

گفتند اگر یک مأموری خطا کرده باید با آن برخورد شود، یعنی سطح ماجرا از حاکمیت عربستان به یک مأمور تقلیل داده شد. در صورتی که دولت عربستان مسئول بود و اگر یک مأمور هم تخطی بکند، آن مأمور خارجی برای ما موضوعیت پیدا نمی کند بلکه حاکمیت کشورش است که باید پاسخگو باشد. در فاجعه منا نیز مجموعه ای از اقدامات امنیتی، امدادی و سیاسی را که رخ داده است، باید در یک بستر مشاهده کرد. مجموعه رژیم آل سعود در این ماجرا دست اندر کار است.

به غیر از کشور ما که با هشداری صریح مقام معظم رهبری عربستان مجبور شد وضعیت شهدا و انتقال پیکرها را مشخص کند، دیگر کشورها که در این فاجعه حجاجشان به شهادت رسیدند، پیگیری انجام داده اند؟

پیگیر بودند ولی ضعیف، یکی از دلایل این ضعف اختلاف نظر فقهی شان با ما درباره پیکر شهدا است. آنها فکر می کردند که اگر پیکرها در همان جا باشد بهتر است. ولی تحلیل من این است که شاید آنها هم از شرایط تدفین پیکرها اطلاع نداشتند و اگر می دانستند که به صورت غیر شرعی تدفین شده اند پیگیری می کردند. ولی مهم تر از این موضوع

ایراد بزرگی که بر عملکرد دولت گرفته می شود، این است که تا پیش از ورود مقام معظم رهبری و هشدار صریحشان به عربستان سعودی، اقدامی جدی از سوی مسئولان دولتی برای مطالبه حقوق حجاج ایرانی و محکومیت عربستان انجام نداده اند.

درباره این موضوع می توانم در دو سطح صحبت کنم. یک سطح متولیان امر در حوزه حج است که به آنها دسترسی داده نشد. طبق روایت رسمی مسئولان ما تا سه، چهار روز دسترسی به پیکرهای شهدا داده نشده است و دولت عربستان فقط به همین دلیل و رعایت نکردن اصول اولیه کنسولی باید مورد پیگرد قانونی قرار گیرد. اما چرا این اتفاق افتاده را باید در سطوح بالاتر سیاسی بررسی کرد. نوع رفتار مسئولان ما به خصوص در حوزه سیاست خارجی و دیپلماسی رفتاری نبوده است که عربستان را به تغییر رفتار وادار کند. اگر روزهای اول ماجرا را به یاد بیاورید تمرکز اصلی دستگاه دیپلماسی ماسفر رئیس جمهور به نیویورک بود، در حالی که موضوعی که برای جامعه مهم بود و بخش عظیمی از کشور را از نظر ذهنی در گیر خود کرده بود موضوع حج بود. نهایت پالسی که از هیئت دیپلماتیک مان دریافت کردیم تصویر وزیر امور خارجه مان است که در کنار یک مقام عربی زانو زده و درخواست میانجیگری دارد که وزیر خارجه ما بتواند با وزیر امور خارجه عربستان دیدار کند، نه اینکه حقوق ما مطالبه شود! این خیلی برای ما بد است.

اتفاقاً چند روز پیش در کنفرانسی خبری این موضوع را گفتم که در فاجعه منابیش از اینکه سوگواری پدرم باشم سوگواری عزت کشورم هستم. بالاخره این شهدا اتباع ایرانی بودند و چرا افرادی که مسئولیت دیپلماسی داشتند پیگیری نکردند؟! اگر حضرت آقا پیگیری نمی کردند عربستان حتی

جناب اخوان شما برای مشخص شدن وضعیت پدر شهیدتان که تا مدت ها هم مفقود الاثر بودند، به عربستان رفتید، از مشاهداتتان بگویید.

من در همان محل دیدم که گورستان بزرگی بود و آنها شهدا را در قبرهای موقت دفن کرده بودند و بدون هیچ گونه ضوابط شرعی پیکر را با همان وضعیت و لباس و وسایلی که همراهش بود دفن کرده بودند. قبرها شبیه مقابر معمولی نبود بلکه محفظه های زیر زمینی جدا جدا بودند که در داشت و درها باز و بسته می شد. حتی زمانی که برای شناسایی رفته بودیم مشخص بود که برخی از قبرها را باز و بسته کرده بودند. برای اینکه برخی از شماره ها گم شده بود و نیاز به شناسایی مجدد داشت.

این مسئله برایتان تعجب برانگیز نبود که چرا این همه قبر آماده باید در آن محل وجود داشته باشد؟ این مسئله را با مسئولان ایرانی مطرح نکردید؟

بله، گفتم ولی آنها پاسخی نداشتند. آن قبرستان ۲۰ هزار قبر آماده دارد و ظرفیت سردخانه کنار آن ۹۰۰ عدد بود. یعنی فرض بر این است که هر کس که فوت کرد بلافاصله دفن شود در صورتی که این افراد اتباع خارجی هستند و دفن آنها دارای مراحل و ضوابطی است. حتی من در آنجا با نرم افزار «گوگل ارث» که جست و جو کردم دیدم در نزدیکی همان جا دو، سه قبرستان بزرگ تر از این قبرستان وجود دارد که هنوز استفاده نشده است. چطور دولت عربستان می تواند حادثه ای را که ممکن است در آن چند هزار نفر کشته شوند پیش بینی کند اما نمی تواند برای آن حادثه امدادسانی را پیش بینی کند؟!